



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۸ دوسه ۹ تیر ماه ۵۹ - نهمه ۳۰ ریل

((کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند.
کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند.
کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر
زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.))
(ولادیمیر ایلیچ لینن)

بورژوازی اپورتونیستها و کمونیستها!

در هفته گذشته در بسیاری از
کارخانه ها اعتراض کارگران عا ملی
بوده است که کارفرمایان و دولت را
و اداریه اتغا ذتصمیمات "جسدی"
ضموده است. از قبیل بستن "تاکا"
و دستگیری نماینده کارگران آنجا!
این دیگر برای دهه داران کنار
غیا بان که در نهایت فلاکت با زندگی
هول انگیزی که در برابرشان دهان
باز کرده است دست و پنجه نرم میکنند.
اجری عادی شده است که شهرداری
دستور جمع کردن دهکها را صادر کند!
اما هیچ دهک کوچک و بزرگی سراغ
نداریم که برای تامین تهدیدات نیست
شده باشد! دهکها را با مبارزه علیه
این بتهاجم حکومت به زندگی خود را
آغاز کرده اند!

بیکاری ۲۰٪ چنان امری عادی
شده و چنان زندگی میلیونها نفر از
کارگران و زحمتکشان را در خود فرو
کشیده است، که سرمایه داران و دولت
از آن بمانده اند! سوداگران و بزرگان
سرمایه داران با غل استفاده میکنند:
تهدید به بیکاری برای آرام کردن
کارگران!

رشد هزینه های زندگی، علیرغم
همه فشارهای از بالا (یعنی با
تهدیدهای بنی صوری!) و از پایین
(یعنی مبارزه زحمتکشان از قبیل
خیابان گرگان)، در سطح درآمد
توده ها را با سرعت پشت سر میگذارد و
بسی فلات و فقر آشکاره میسازد.
این بحران عمیق و همه جانبه
است: راه حل آن عبارتست از نابود
دی سیستم موجود! بقیه در صفحه ۲

اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی

رشد جنبشهای دهقانی بار دیگر
و به بارزترین وجهی از تفاذهای
حاد درون روستاهای ایران حکایت
میکند. نتایج اصلاحات ارضی رژیم
شاه اکنون در عملما هیت ضد انقلابی
این اصلاحات را نشان میدهد. اما
جنبشهای دهقانی که از بطن تناقضات
ت درون نظام اقتصادی - اجتماعی
سر بیرون میکنند چنان گسترده و
قوی هستند که باید ارا ن جدید نظام

درهم ریختن نظم بورژوازی
و ایسته، که با او جکیری جنبش انقلابی
بوده ها و سرکونی رژیم شاه آغاز
کشت، شرایط جدیدی را برای اقبال
و طبقات مختلف تحت ستم سرمایه دار
ری و ایسته به امپریالیسم، در غلبان
و حرکت، رشد یافته آنها، فراهم
آورد. جنبش دهقانی در روستاهای
ایران که بحول مسئله ارضی و
نقرو سیه روزی توده دهقان شکل
میگیرد هر روز عمق و وسعت بیشتری
پیدا میکند.

بقیه در صفحه ۱۰

باز هم درباره سه شعار...

در صفحه ۳

در پیک رزمندگان می خوانید:

- دشمنان خلق دست یکدیگر را روم میکنند!
- توده های خروشد!
- کمیته مرکزی فدائیان، به آستانبوسی بورژوازی می رود!
- رانندگان تاکسی شهر به شهر مبارزه برای حقوق صنفی.
- نگاهی به مردم و مجاهدین

و



قریب دو سال است که جنبش
انقلابی خلقهای میهن ما، فرصتی
بی نظیر برای جنبش کمونیستی
فراهم آورده است. استمرار او جگر،
گسترده و گسترش یافته، جنبش انقلاب
بی توده ها تا قیام بهمن ماه و برآ
مد مجدد و بر شتاب آن - پس از وقفه -
ای کوتاه که توهم پیروزی موجب
شده بود - در اشکالی متنوع، و تگام
آن تا حد مبارزه، مسلحانه توده ای
در بخش وسیعی از ایران - گرد ست -
ن - بویژه که این بار با برآ مسد
گسترده جنبش کارگری همراه بود،
از یکطرف، و ضربات سهمکین و همه
حاشه ای که بر سلطه امپریالیسم
وارد آورده، از کاسهای پلیسی و
امیتی آنرا در هم شکسته و قبل و
بعد از قیام سرع کنتارهای
وحسانه رژیم شاه و یورنهای قا -
سیسی مکرر ها - خاکه حدیده

نهمه در صفحه ۷۰

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله

گسترش اعتراضات توده‌ها در متن وسیع‌تر سیاسی و اجتماعی نیز جریان دارد. اینک برهنگان (و از جمله بر سرکوبگران) معلوم گردیده که میتوان خلق کرد را با انواع مهمات به آتش و خون کشید؛ مانند توانا و راکت دست داد: جنبش مقاومت خلق کرد گسترش میابد و آرزوهای هیئات حاکمه را مبنی بر ایجاد آزارش، یعنی تسلیم و شکست خلق در برابر خدا انقلاب نقش بر آب میکند. مردم درمی یابند (آنهم سرعت) که به انقلاب آنها خیانت شده است و بلاهت آشکارا سیاسی و اجتماعی هیأت حاکمه ضد خلقی که توانایی حتی سرپوش نهادن به اعمال خویش را از دست داده به سرعت این آگاه می‌افزاید. اعتراضات علیه وضع ترافیک، قیمت‌ها، سینماها، رادیو و تلویزیون (که تنها وظیفه تحمیل ربا به شکل جدید داده می‌دهد) و..... ابعاد این تحول را که از زیر، ازدل توده‌ها در حال شکل گیری است منعکس می‌نماید.

مبارزه در بیلوک سیاسی حاکم برای تحکیم موقعیت خود از طرف جناح‌های حکومت، حالا دیگر مسئله بنهانی شورای انقلاب نیست. در مجلس، در روزنامه‌ها، در میتینگ‌ها، در دادگاه‌ها در میان ارتش و پاسداران و... تقریباً هر جایی که اثری از حکومت باشد، این درگیری جریان دارد. اما نکته‌ای که در این میان حائز اهمیت است، وضعیت توده‌ها در برابر این مبارزه میان بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم می‌باشد: آنها ناگزیرند برای هر کدام از خواسته‌های خود با این مجموعه درگیر شوند و همه مقدمات و توطئه‌ها تا آنجا که یافته توسط هیأت حاکمه را بکنار بگذارند. درست همانطور که وقتی مبارزه توده‌ها رشد میکند، وقتی توده‌ها گریبان سرمایه‌داران و تجار بزرگ و حکام محلی خود را میگیرند، ناگهان این درگیری درون حکومت با یک میثاق وحدت همراه می‌شود: میثاق وحدت بر علیه خلق، درگیری بر سر قدرت بیشتر!

آیا باید مجذوب این درگیری‌ها شد؟ آیا باید یک جناح خدا انقلاب را بر علیه دیگری تقویت کرد و برای اینکه ربا را در گفتگو عقد قرارداد های محرمانه (که در این جنبش تنها دوسه روز میتوانستند محرمانه بمانند) کشت؟

آیا باید از بنی صدر به خاطر مخالفتش با تعدد مراکز قدرت، و با بهشتی، بخاطر این که در راس حزبی قرار گرفته که اختلافاتی با بورژوازی لیبرال دارد وارد همکاري کرد؟

بعبارت دیگر آیا باید به یائین چشم دوخت و حرکت انقلابی را از گنجا آغاز کرد، یا به بالا؟ آپورتونیست‌ها و سازشکاران خواهند گفت: "بسته به ماهیت دولت فرق دارد!" اما ما میدانیم و براتیک روزمره آنرا نشان داده است که این هیأت حاکمه جمیعاً خدا انقلابی است و استدلال در این مورد بیشتر به تلاشی برای روپوشانی ماهیت حکومت شبیه است تا کوشش برای درک "حقیقت"!

در برابر وضعیت روبه‌رو و حاکمیت هیأت حاکمه و توانایی آشکار آنها، توسعه اعتراضات و اشکال نوین مبارزه طبقاتی و دورنمای هر چه عمیق‌تر شدن بحران سیاسی - اقتصادی

گویند: بگذارید در تلویزیون صحبت کنیم! بپاشید ما که گفتم! یا بحث سالم.....

"ما زمان مجاهدین خلق آشکارا، بنا به طبیعت نا پیگیر و متناقض خود، در میان دودانقلاب، عملاً بورژوازی را تقویت میکند و بورژوازی نیز هشیارانه و آگاهانه از آن سود میجوید، تا "میثاق وحدت" خود را از موضع قوی‌تر ببیند. انوهم خرده بورژوازی مجاهدین به آنها اجازه نمیدهد تا بدستی ماهیت حکومت را در بابند و فدیت کامل آنرا با منافع توده‌ها درک کنند!

این حرکت سازشکارانه مجاهدین تنها در توسعه انقلاب و مبارزه توده‌ها تا شیرمشتی ندارد، بلکه با دام زدن به توهانات آنها، با عدم اعلام ماهیت حکومت، و با سکوت نسبت به مبارزات انقلابی توده‌ها علیه حکومت و اتحاد علنی با بنی‌صدر ها علیه بهشتی‌ها

توده‌ها باید بدانند و ما موظفیم که این ساله را وسیعاً توضیح دهیم که تنها یک حکومت انقلابی، از نمایندگان کارگران و زحمتکشان، حکومتی بر مبنای شووای انقلاب بی، حکومتی بر مبنای قدرت توده‌ها میتواند آنها را نجات دهد.

تا شیرمشتی و بورژوازی خواهد داشت.

اما تنها سازشکاران، بیایا دمکراتهای ناپیگیر و متزلزل ما نیستند که به این ترتیب به جنبش انقلابی ضربه می‌زنند، بلکه اپورتونیستهای جوان ما که کوله‌بازی از رویزیونسم جهانی را بردوش می‌کنند (س. ج.) نیز از دیگر سوبه‌های حکومت شتافته است. اگر مجاهدین سازشکاری و تزلزل بیکران خود را در ارتباط با بنی‌صدرها، و جناح بورژوازی حکومت بروز داده‌اند، (س. ج.) بدام کل حکومت "غیر وابسته" در می‌نلظد هم بورژوازی هم خرده بورژوازی حاکم! (س. ج.) میگوید: چه می‌گوئید! آنها حول شعار "مرگ بر امپریالیسم جهانی سرگرد" دگی آمریکا "جمع شده‌اند! یا شما این امر را فراموش کرده‌اید! آنها تفاذهای دورن حکومت و اختلافات خرده بورژوازی حاکم با امپریالیسم را به معنی وجود زمینه خلقی در حکومت یا خلقی بدون یک جناح آن میدانند! آنها اساسی ترین معیار را - کسبیم یعنی مبارزه طبقاتی و مو - قمیت دولت در حفظ سیستم را بکنار

میگذارند، و به این نتیجه می‌رسند که با بدین دولت را تقویت کرد، حتی اگر خدا انقلابی باشد! حتی اگر همان نیرویی باشد که با خفه کردن انقلاب و برقرار کردن سرکوب توده‌ها با کمیت خویش را حفظ کرده باشد. آنها تا آنجا جلو میروند که در سمت هما نوقت که دادگاه‌های حکومت مبارزان خلق کرد را به جوخه‌های اعدام می‌پارند، کروگانهای خویش را بخاطر "ملح عادلانه در گردبستان بسود زحمتکشان! توسط حکومت ضد خلقی" آزاد میکنند. آنها انقلاب را وجه الممالحه "انتشار آزادکار" و... قرار میدهند و با یکی ندارند که با بهشتی‌ها و بنی‌صدرها در پشت اطاقهای در بسته مذاکراتی بپرا - مون چگونگی "کوتاه کردن دست چپ‌گرایان از سر خلق کرد" بعمل آورند. تا آنجا که بهشتی‌ها جرات کنند و بگویند: آقایان تبلیغ کنید و افکار مسمومی را که در میان مردم برده اید بختی کنید! آقایان اعلام کنید که مواضع خود را تغییر داده‌اید! اتحاد با یک جناح ضد انقلاب بخاطر قدرت، بخاطر هر چه بیشتر فرار کردن از مبارزه طبقاتی برای هر مارکسیستی که ملا روشن است که مبارزه طبقاتی حاد جنبش ما نمیتوانست مدت زیادی به این رویزیونسم امکان اختفای خود را بدد. اینک مبارزه انقلابی و جنبش کمونیستی صفوف خود را تغفیه میکنند و هر کس را بنا به ماهیت خویش در رد مناسب قرار میدهند.

اپورتونیستها مثل همه اجداد خود، همیشه و در هر جا درست در لحظاتی که جنبش انقلابی روبه اعتلا و توسعه است، و اعتراضات توده‌ها منگستر میشود، به چاپلوسی و تملق، به تسلیم طلبی و... در برابر حکومت می‌پروند. زنده آنها بورژوازی و خدا انقلاب را تظہیر میکنند و میگویند: ما به شما اعتماد داریم! ترا بخدا (یا هر چیزی که قبول دارید) شما هم به ما اعتماد کنید! یک کمونیست به انقلاب، به توده‌ها، به جنبش روبه اعتلا و... می‌نگرد. کمونیست از توده‌ها حرکت میکند و علی‌رغم همه تفاذهای درون حکومت، از این تفاذهای گسترش جنبش، برای افتادگی کل حکومت بهره میبرد و در حاد در پیشگاه توده‌ها اعلام میکند: انقلاب! آری انقلاب شما را می‌راند. و یک اپورتونیست درست در لحظه‌های حاد یا شائن را ترک میکند و به بالا چشم میدوزد!

بازهم درباره سه شعار

خدمت‌گزار در استان بورژوازی
لیبرال به بهانه "تحلیل اقتصادی"

اما کار تحلیل "راه کارگر" به همین جا خاتمه نمی‌یابد. حال که نبود سرمایه‌داری وابسته = نبود سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم (بدون توجه به معنای مفهوم طبقاتی این مسئله، و بدون توجه به اینکه کدام طبقات بطور معین از این سیستم دفاع می‌کنند، بنا بر این باید در درک رزمندگان یک عیب اساسی باشد که بجای توجه به این سرمایه‌داری وابسته (بطور مطلق) پیوسته خواسته‌گاران خود را به سیستم و طبقات حامی آن و به بورژوازی عطف توجه میدهد. این مسئله را راه کارگر ۲۵ زیر عنوان "مقولات نابودی سیستم همان‌نا - بودی کل اجزاء است به ما نسبت میدهد. اما این انتساب هم نمیتواند در دل تئوریهای راه کارگر جای معینی نداشته باشد.

به ما میگویند شما بدعی هستید که برای نابودی سیستم باید کل اجزاء آن را نابود کرد. البته اگر کل مرادف جمع مکانیکی اجزاء بود. حرف فوق صحیح بشمار میرفت. اما قیله درست همین جاست که مآد ر مقاله "سه شعار.... هیچ جا ازنا - بودی بورژوازی کوچک سخن نگفته - ایم. (راه کارگر به این اوراق اقرار کرده است) چرا؟

هر سیستم و نیز هر طبقه اجتماعی در درجه اول به طور معینی ارگانیزه است. سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم، بطور کلی اجزاء پیدایش سرمایه ملی را نداده و آنرا در طی چندین سال در اثر رقابت سرمایه‌داری وابسته از میدان بدر کرده است. عملکرد جهانی سرمایه مالی، و ارگانیزه شدن آن در رواج - بط تولیدی، یعنی حضور آن در سرمایه وابسته، اصولاً جریان اساسی سرمایه را در ایران جریانی وابسته نموده است. معنای این کلمات، دقیقاً فقدان جریان سرمایه ملی در برابر جریان سرمایه وابسته است. و در نتیجه فقدان بورژوازی ملی در ایران میباشد. این امر به ما نشان میدهد که بورژوازی ایران

در مرکز آن و در استخوانبندی اصلی آن سرمایه‌داری وابسته قرار دارد، سرمایه متوسط برجین متنسی از سیستم عمل میکند و سرمایه‌های کوچک هم در چنین چهارچوبی هستند. اکنون خود را به جریان میاندازند. حال ما میخواهیم این سیستم را از بین ببریم چه باید بکنیم؟

نابودی یک سیستم و نیز یک طبقه در درجه اول عبارتست از خارج کردن آن مجموعه ارگانیک، یا طبقه از صورت یک کل بهم پیوسته و درهم شکستن پیوستگی کل واره سیستم - تیک آن. و در این رابطه و بدین خاطر نیز بدینال نابودی سیاسی طبقه مزبور در هم شکستن اجزاء اصلی آن هر چند که اجزاء و عناصری از آن کل هم

باقی بمانند، دنبال میشود. اما در ایران چه میشود؟ بورژوازی بنشابه یک کل، کلیت خود را از دست میدهد. سرمایه‌داری وابسته و نیز بقول راه کارگر "دلان" آن در دستور ما قرار میگیرند. این امر به چه معناست جز "اصلی یک سیستم و جزء - بلا - فاصله حامی آن از وضعیت مسلط خود خارج میگردند. یک طبقه کلیت خود را از دست میدهد. پایه اقتصادی بورژوازی بشدت و اساساً ضربه میپذیرد. حال بورژوازی کوچک هم باقی مانده باشد. یا نباشد، بورژوازی بنشابه یک طبقه اساساً از بین میرود و باید از بین برود. اینست کل و جزء. این دلان را ما همان روزاول انقلاب از میان بر نخواهیم داشت. اما این دلان همچنان خواهند ماند و باید آنها را از میان برداریم. آنها اجزاء معمولی نیستند، آنها حامیان سرمایه مالی به تنهایی نیستند. بلکه در رابطه با جریان سرمایه وابسته نیز، پیوند محکمی در حفظ وابستگی دارند. هم اقتصادی - هم سیاسی.

ولی ما حتی اگر این جنبه سیاسی را هم کنار بگذاریم (اجازه بدهید چند سطر بعد به آن برخورد کنیم) باز میماند نقش اقتصادی آنها. این

یک کمونیست نباید از اینکه موضع خود را اصلاح میکند به جلو می‌رود یا کی داشته باشد زیرا جنبش جوان کمونیستی ما و کلاً جنبش انقلابی در طی تکامل خود در میانه‌ها بدکه بعضی جنبه‌های واقعیت را در نظر نگرفته!

همان چیز است که با ترس و لرزه ده‌ای آنرا تحت عنوان دامگیر شدن برای نابودی سرمایه‌داری وابسته، تا سرمایه متوسط از آن پادمیکنند (رج. راه کارگر - شماره ۲۵) بنا بر این، با توصیف فوق بخش انحصاری سرمایه به مثابه جزء اصلی از لحاظ اقتصادی و پس از آن سرمایه متوسط به مثابه تنها دال بلکه جزیی با زهم وابسته از سیستم در برتا مآنها ما قرار میگیرند: دولت انقلابی آنها را معادله خواهد کرد اما از اینک بعضی‌ها از این امر برنجند (از قبیل خود بورژوازی لیبرالها و احیاناً خرده بورژوازی مرفه) هر اسی بدل را نمیدهم. بدین ترتیب طبقه بورژوازی ایران، بعنوان طبقه‌ای که

هسته اصلی آنرا سرمایه‌های وابسته انحصاری تشکیل میدهند، و آنها هم آن به خاطر قوانین "انقلاب" دامگیر سرمایه متوسط هم خواهند شد به معنای می‌دهند به خارج کردن سرمایه از حالت یک کل بهم پیوسته، و خارج کردن بورژوازی از حالت یک کل ارگانیک. اما این همان نکته‌ای است که توهمات فوق العاده مکرر - تیک، یا دقیقتر "تحلیل اقتصادی" از دریافت آنها مانع میکند.

میگویند: "رزمندگان... معتقد است هر سرمایه‌ای (بزرگ، متوسط، کوچک) چون وابسته است، بنا بر این باید نابود گردد. باقی ماندن سرمایه متوسط یا کوچک به معنی باقی ماندن وابستگی است." راه کارگر ۲۵ "رزمندگان فکر میکنند، اگر تمام طبقه بورژوازی نابود نشود، سیستم نابود نشده است. نابودی سیستم را در، نابودی تمام عناصر تشکیل دهنده سیستم میبینند. راه کارگر ۲۵

"نابودی سیستم را نابودی تمام عناصر آن میبیند" راه کارگر ۲۵ اگر بخواهیم "رزمندگان برو - ایت راه کارگر" را در کف کنیم البته چیزی جز این هم نخواهد بود. زیرا کل در اینجا مرادف مجموع مکانیکی اجزاء، سیستم مرادف طبقه بورژوازی، و اجزاء سیستم مرادف اجزاء طبقه میباشد. یعنی درکی از اساسی اکونومیستی از طبقه و سیستم! مادر همان مقاله "سه شعار...."

هیچ جا سخن از بورژوازی کوچک نگفته ایم. آیا عمیق کنندگان نشو ری اقتصاد، نتوانسته اند رابطه این امر را با مسئله نابودی طبقه در کلیت خود را نبودی سیستم در اجزاء اصلی و حامی آن دریابند؟ بر ما واضح است که نه! زیرا ناگهان استنباط‌هایی کذافی فوق به جای حرفهای رزمندگان می‌نشیند. مادر آنجا "سه شعار.... میگو - شیم: "بدون نابودی طبقه سرمایه دار و طبقه‌ای که اساساً در پیوند با سرمایه امپریالیستی به وجود خواهد آمد. ما می‌دهد امکان اینک که ما به سرمایه‌داری وابسته نتوانیم تا به نیست... و.... در هر انقلاب یک طبقه معین اجتماعی باید نابود شود"

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

بازهم درباره...

و کسانی که نابودی طبقه را هدف ناپودی سرمایه کوچک، متوسط و بزرگ میدانند، و نابودی سیستم را مرادف نابودی اجزاء میدانند به تفسیر میپردازند: که هیئات یعنی بورژوازی لیبرال را هم از بین ببریم؟! البته عبارت های نقل شده از شعار... بعلمت توضیحات ناقص ما در آن مقاله رسان نیست و لی یک امر روشن است: ما در آنجا میگوئیم سرمایه متوسط و بورژوازی لیبرال را از ادم تبع انقلاب نجات ندهد! از آن مدافعه نکنید این جز پس از سرمایه انحصاری که علی الخصوص از لحاظ سیاسی نماینده مستقیم خود را از دست داده و هنوز تجدید حیات نکرده، مهمترین جزء اقتصاد دی و ایضاً سیاسی بورژوازی است. آنها با زفریاد میزنند: "هیئات! یعنی بورژوازی لیبرال را هم از بین ببریم؟! ما باید اتحادی به این کار نداریم!"

بنا بر این مسئله بر سر موضوع جدی تر است. ما واقعاً میخواهیم (و قوانین مبارزه جاری در آنها نیست ضعف خود بطور عینی آنرا نشان میدهد) که طبقه بورژوازی را به منایه یک کل نابود میکنیم، کلیت آنرا منهدم سازیم و آنرا را از بین برداریم. و با این وجود تنه همه اقشار یا عناصر آنرا در یک لحظه میخواهیم (و میتوانیم) از بین ببریم و تنه تمام اجزاء سرمایه را میخواهیم (و میتوانیم) از بین ببریم. و از آنجا که بنا به قرائن خود "راه کارگر" بورژوازی کوچک و سرمایه کوچک را در معرض حمله انقلاب قرار نمیدهیم، این انتخاب که "رزمندگان نابو" دی سیستم را نابودی تمام عناصر آن میبینند "سراپا تهی از واقعیت و پوچ است. رزمندگان در پی نابودی کلیت سرمایه داری وابسته و ایضاً کلیت بورژوازی است، اما راه کارگر چون واهمه دارد که مبارز بورژوازی لیبرال عزیز! نابود شود، با ننگ بر میآورد که اوای، رزمندگان در پی نابودی تمام سرمایه ها و تمام سرمایه داران است و جالب آنکه خود در این ادعای خویش با تناقض روبرو میشود و اظهار میدارد که البته رزمندگان بورژوازی کوچک و سرمایه کوچک را مشمول نابودی بوسیله انقلاب قرار نمیدهد. و با زجالب اینکه چون مضمون سخن رزمندگان را در مورد نابودی کلیت سیستم و بورژوازی بدون نابودی سرمایه

کوچک و بورژوازی کوچک نمیتواند و نمیخواهد دریا بد. بدلیل واهمه و هراس از رسیدن خرده بورژوازی رزمندگان را منتصب به تناقض گوئی غافل از آنکه خود از قعر جاه تناقض به رزمندگان مینگرد. بنا بر این مشاجرات موجود جنبش کمونیستی، بر سر جز و کسل و سیستم و غیره... بلا نقطه از تحلیل اقتصادی به "تحلیل سیاسی" راه پیدا میکند. همه استدلالهای راه کارگر در مقابل به "نابودی کل بورژوازی" که علی رغم ناراضی بی نوشته ما هسته صحیح خود را در همان نوشته منعکس کرده است، به آنجا میکشد که کل عبارت رست از جزء اصلی، جزء اصلی عبارت از سرمایه سیستم انحصاری وابسته، اولاً السلام! سیستم با نابودی جزء اصلی نابود میشود. پس شعار انفرادی بورژوازی لیبرال که جزء اصلی هم نیست، که نماینده سرمایه متوسط است (به بخش اول این بحث - رزمندگان ۱۷ رجوع کنید) شعار صحیحی است چرا؟ چون رزمند-

وایی نفلطند: در اینجا حتی جنگ مستقیم با امپریالیسم هم ماهیت و مضمون طبقاتی معین دارد و در آن با ید بورژوازی را مورد تعرض قرار داد با زفریاد میزنند: آنها وابستگی را تاریخی - تولیدی نمی بینند. آنها اقتصاد نمی فهمند! آنها، این رزمندگان فقط بلدند زفریاد بزنند: نابود یا دیستیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم! در حالیکه باید بگویند (و با تاکید هم این را بگویند) نابود یا سرمایه انحصاری وابسته به امپریالیسم! ما مؤکداً و مکرراً دید و ابستگی دیدی را که فقط متوجه قطع وابستگی است، بحث و بورژوازی خوانند. و بارها و بارها اظهار داشته ایم که ادا ما سلطه امپریالیسم و در واقع ادا ما وابستگی در گرداد ما حیثیات سرمایه داری است، که بدون حاکمیت سرمایه داری وابستگی از میان می رود. باز "راه کارگر" میگوید آنها وابستگی افنی می بینند، آنها وابستگی تاریخی - تولیدی

نابودی یک سیستم و نیز یک طبقه در درجه اول عبارتست از خارج کردن آن مجموعه ارگانیک، یا طبقه از صورت یک کل بهم پیوسته و در هم شکستن پیوستگی کل واره و سیستماتیک آن.

نمی بینند!

ما کار را دیدی را که توجه به روابط تولیدی و مبارزه طبقاتی وصف بندی نیروها ندارد، مکانیکی و در خدمت بورژوازی نامیدیم. حال به ما میگویند: سیستم را تاریخی تولید نمی بینند، نه رفقا، این انتخابات بهانه است، مسئله اصلی هراس از نابودی بورژوازی لیبرال و واهمه از رسیدن خرده بورژوازی مرفه است. خوانندگان رزمندگان با ملاحظه دوسه شماره از آن به این امر پی میبرند و راه کارگر با تمسّق بیشتر، موضع ما را نسبت به بورژوازی لیبرال (که موضع بدبختانه خصومت آمیز است!) پی نمیبرد! همه تحلیل ها همانطور که گفتیم علی رغم استدلال فوق، به یک نتیجه سیاسی معین میرسد. این تحلیل اقتصاد دی راه کارگر با ید نتیجه معینی داشته باشد. و این نتیجه هم منحرف کردن راه طبقه کارگر در مبارزه با بورژوازی است، همانگونه که روزی لنین گفت: "اکنون کارگرانی سیر قهرا پی در پی گرفته و به بهانه "تحلیل

اقتصادی" با عبارت پردازی مغرورانه در باره "ماتریالیسم تاریخی" از تبعیت کارگران از بورژوازی دفاع میکند و یکم نقل قولهای ماسلف منشویک نظریات کهنه لیبرالی منشویکها را بطور خستگی آوری تکرار مینماید. ضمناً بکمک این نقل قولها میکوشد اندیشه جدیدی را در باره "عقب ماندگی روسیه به ثبوت رساند ولی نتیجه ای که از این اندیشه جدید میگرداند کهنه و حاکی از آنست که آری هنگام انقلاب بورژوازی نباید از بورژوازی فراتر رفت! و اینها همه علی رغم تمامی آن چیز است که مارکس و انگلس، هنگام مقایسه انقلاب بورژوازی سالهای ۸۹ - ۱۷۹۳ فرانسه با انقلاب بورژوازی سال ۱۸۴۸ آلمان گفته اند!" لنین - کاروتسکی مرتسد، منتهیات ص ۶۵۴ اما در اینجا چگونه از "تحلیل اقتصادی" گرایش ماسلف متولد میشود؟ چگونه راه کارگر با موضوع خود در قبال بورژوازی لیبرال در (راه کارگر شماره ۲۵) از یکسوما - سلیسم و از دیگر سوا پورتونیسیم رایه نمایش میگذارد؟ خواننده توجه دارد که مضمون اصلی انتقاد ما به راه کارگر در مقابل به شعار، مسئله بورژوازی لیبرال و سرمایه متوسط بود. ما در آنجا به تاکتیک راه کارگر در ارتباط با مسئله انفرادی بورژوازی لیبرال برخورد کردیم و گفتیم شعار "بورژوالیبرالها این دالان سلطه امپریالیسم را افتاء کنیم!" معنایی جز انفرادی بورژوازی لیبرال ندارد. اما در مقاله راه کارگر ۲۵ کلاً با مسائل جدیدی هم روبرو میشویم، و آن عبارتست از یک تغییر موضع ارزنده تنها عیب کار (که معنایش را بعد میگوئیم) اینست که راه کارگر گروا - نمود می کند این موضع جدید موضع ابدی او بوده است. "راه کارگر" همانطور که در شماره ۱ مقاله نشان دادیم، دیدی مبتنی بر اکونومیسیم در سیاست و مبارزه طبقاتی و یا دقیقتر دتر - میسیم اقتصادی دارد. از یک طرف میگوید نابودی سرمایه انحصاری وابسته نابودی سیستم است و از طرف دیگر وقتی با واقعیت عینی یعنی رابطه زیر بنا و روبنا روبرو میشود بی به اهمیت سیاست در نابودی سیستم میبرد. و سرانجام ناگزیر میشود اعلام نماید که بورژوازی لیبر

بازهم درباره...

ال را باید بنا بود کرد. آنچه که ما میخواستیم به او ثابت کنیم و او سرانجام آن را قبول می کند. اما بگذارید پیش از وارد شدن در چگونگی قبول این مسئله توسط راه کارگر برای همیشه پیرونده بورژوازی لیبرال را ببینیم.

میگویند: جزء اصلی سیستم سرمایه انحصاری وابسته است. این امر درست بود اگر سیستم عبارت بود از اقتصاد محض، یعنی اقتصاد به مثابه زیربنا، یعنی آنکه اقتصاد دوهی است. ارگانیم اجتماعی مستقیماً برهم منطبق بودند و هیچ فاصله ای در میان آنها نبود.

اما میدانیم که یک سیستم اجتماعی، به مراتب پیچیده تر و غیرتجانس تر از آنست که تنها با یک عبارت: زیربنا = اقتصاد دوسا یا موتور تابع آن بتوان کار آن را یکسره کرد.

اقتصاد جنبه انسانی پیدا میکند، اقتصاد، روابط تولید، در میان انسانها طبقات را بوجود میآورد و طبقات برای حفظ خود به چیرگی غیاز

اقتصاد، به چیزی نه تنها منطبق بر آن متوسل میشوند. پیدایش دولت و در واقع قدرت سیاسی محصول پیدایش تضادهای سخت طبقاتی و عاملی جهت حفظ سیستم طبقاتی موجود است. این امر تا بدانجا پیش میرود که گهگاه در طول تاریخ ما شاهد پیدایش دولت هایی میباشیم که از لحاظ سیاسی، انطباق با طبقه حاکم اقتصادی ندارند. اما هیچ انسان عاقلی که لحظه ای با ما رکیسم آشنایی داشته باشد نخواهد گفت که در این حالت دولت سیاست در جهت سیستم و طبقه حاکم اقتصادی حرکت نمیکند زیرا سیستمی را حفظ میکند، تضادهای پیرامون آنکه میدارد که بمشود طبقه حاکم اقتصادی جامعه است.

(ر. کننیه منشأ خانواده - اثر انگلیس - ترجمه فارسی ص ۲۳۸ بهد) بگذارید مثالی بزنیم. مثلاً وقتی ناپلئون سوم در فرانسه به مثابه یک بنا پارت، در اس یک کاست بر روی حکومت می آید، بیامواردی که خرده بورژوازی، اشراف بورژوازی با هم به حکومت دست میبایند، همگی نشان میدهند که با وجود حفظ تضادهایی که بسود طبقه حاکم اقتصادی است اما قدرت سیاسی درست آنان متمرکز نیست؛ کیست که بگوید ناپلئون سوم از منافع بورژوازی فرانسه و بیسار که

از منافع بورژوازی آلمان دفاع نمیکرد و آنرا تا مین نمینمود.

مسائل تاریخ از حل یک معادله درجه دوسا به ترمیشاگر ما گمان میکردیم که طبقات، اقشار، منافعی اقتصادی بلاواسطه خود را در سطح اقتصاد به نمایش میگذارند. و تار - یخ به مراتب احقاً نه ترمیشاگر گمان میکردیم که پیرویه انقلاب، متوجه تغییر زیربنا، تغییر جزئی اصلی اقتصاد، تغییر سرمایه انحصاری وابسته، از طریق تغییر خود آنها بود. یعنی نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، از طریق نابودی سرمایه انحصاری وابسته. یعنی نابودی یک سیستم از طریق نابودی جزء اصلی اقتصاد! در حالیکه جزء اصلی اقتصاد خودش را بوسیله چیز دیگری، آنهم نه بطور ساده بلکه از راه ایده ها، افکار، عقاید، مذاهب، سنن، ایدئولوژیها و... سرانجام در عالیترین شکل آن از طریق سیاست و دولت، حفظ مینماید. خلاصه اینکه جزء اصلی اقتصاد در حکم جزء اصلی سیستم اقتصادی اجتماعی نیست.

اینست آن نکته ای که ما سلف منشیوک هرگز نمیتواند آنرا بفهمد. بورژوازی ایران، اینک نماینده سیاسی خود را در قدرت، بورژوازی لیبرال میبیند، و انقلاب با پیدایش طبقه رابنایه یک کل بطور کامل از قدرت سیاسی خلع و از لحاظ اقتصادی نیز آنرا از کلیت بیاندازد. حال که از لحاظ سیاسی و اقتصادی هر دو موقعیت بورژوازی لیبرال بر ما روشن گردید و دیدیم که نماینده سیاسی سرمایه انحصاری وابسته پس از قیام در حقیقت همین بورژوازی لیبرال است و دولت که عمدتاً منافع این سرمایه را بطور طبیعی حفاظت میکند. کاملاً روشن است که وظیفه انقلاب نابود کردن آن هم میباشید. از لحاظ عملی او پیگیر سیاسی بورژوازی در قدرت است و او بماند بورژوازی در کناره همراه خرده بورژوازی مرفه سنتی (در صورتیکه در قدرت سیاسی باشد) در مقابل مقرر میگردد. حالا اگر کسانیکه پیدا میشوند که هنوز فقط میخواهند آنها را بماند به دلالت و فقط بخاطر دلالت آنها افشاء و منفر کنند، دیگر وظیفه عینیت انقلاب است که آنها را بهوش آورد: حتی خرده بورژوازی نیز با توجه به بار ضد بورژوازیی مبارزه نموده ها شعار مرگ پر سرمایه داری را سر داده است!

اما ما سلف عزیز ما، که فهمیده

است چقدر از مبارزه عینی توده ها، و وضعیت طبقات در سیاست بدو است، ناگهان در وسط دعوا میگوید: "وزمندگان ابعاد مبارزه یی را که برای نابودی این سرمایه صورت میگیرد (منظور سرمایه انحصاری وابسته است) و لزوماً دامن بورژوازی متوسط و لیبرال (؟) را که میکشد از موجودیت این سرمایه دفاع کند. خواهد گرفت، نمیفهمد" راه کارگر - ۲۵

ما که میگوییم نباید بفکر افراد بورژوازی لیبرال بلکه بفکر نابودی آنها بود، ابعاد مبارزه را نمیفهمیم، ولی منفرد کنندگان بورژوازی لیبرال، این اقتصاد دانان که به آستان بوسی سرمایه متوسط شتافته اند آنرا میفهمند. اما کار تمام نشده، راه کارگر، موضع جدید خود را تدریجاً اعلام میکند، و اصلاً بر روی خود تمسک و رد که ما در همین زمینه از او انتقاد کرده ایم: "چرا راه کارگر، در این مرحله شعار نابودی اقتصادی بورژوازی متوسط و لیبرال را نمیدهد. اما شعار نابودی سیاسی بورژوازی لیبرال را میدهد) همانجا

در اینجا نه تنها ابعاد مبارزه دامن بورژوازی لیبرال و سرمایه متوسط را میگیرد، بلکه به نابودی آنها هم میرسد بطوریکه در ادامه میخوانیم: بورژوازی لیبرال از نظر سیاسی، چه در قدرت باشد، چه نباشد باید نابود گردد. بورژوازی لیبرال خواهان حفظ مناسبات سرمایه داری بصورت شیوه مطلق تولید است (یعنی موقعیت اقتصاد دی و سیاسی اش با آن انطباق دارد. رزمندگان) و بنا بر این خواهان حفظ وابستگی و خواهان گسترش آنست، بورژوازی لیبرال جبهه متحد بورژوازی را پاسداری میکند و بنا بر این باید نابود گردد. همانجا و بدین ترتیب موضع راه کارگر از لحاظ کلی تغییر میکند، و تا - کتیک نابودی بورژوازی لیبرال در دستور راه کارگر قرار نمیگیرد. اما آنها اعلام نمیکند که موضع قبلی آنها غلط بوده و آنرا ترک کرده اند. آنها که قبلاً (یا شاید همین حالا) برای بورژوازی انحصاری وابسته در بلوک سیاسی جایگاه جداگانه ای تراشیده بودند و بورژوازی لیبرال را واسطه و محل "روحانیت" و بورژوازی انحصاری وابسته مینامیدند، حالا و راه کارگر جبهه متحد بورژوازی میداند و دامن سرمایه متوسط

را نیز در معرض انقلاب قرار میدهند. آنچه را ما مورد انتقاد قرار داده بودیم میپذیرند و انمود میکنند که از قبل چنین موضعی داشته اند! اینست اپورتونیزم در مبارزه ایدئولوژیک و مبارزه طبقاتی بطور کلی. بدون انتقاد از خود، اعلام موضع جدید بدون اینکه بگویند: بسیار خوب! ما قبول میکنیم این بورژوازی نباید منقرض شود بلکه باید نابود شود! میگویند: ما میگوئیم... وحشی شعار آنرا میدهم!!

وقتی ما به بورژوازی لیبرال حمله میکنیم، راه کارگر خود را تا مقام دفاع از سرمایه متوسط تنزل میدهد و نگران حال سرمایه کوچک است، ناگهان وقتی میبیند بورژوازی انحصاری در قدرت است و نه سرمایه متوسط از بلای نابودی سرمایه انحصاری وابسته امکان رهایی دل در فربا دیر می آورد: نابود یا دیورژوازی لیبرال یا سار جبهه متحد بورژوازی! آیا این اپورتونیزم آشکار در بر خور ایدئولوژیک نیست!

یک کمونیست نباید از اینکه موضع خود را اصلاح میکند، بوی جلیو میرو دباکی داشته باشد. زیرا جنبش جوان کمونیستی ما و کلاً جنبش انقلابی در طی تکامل خود، در میانه بد که بعضی جنبه های واقعیت را در نظر نگرفته، اشتباه، نه! عدم ملاح آنست که برای جنبش کمونیستی خطرناک است. اما اگر اصلاح، بدون انتقاد و بدون بی ریزی کامل تئوری خطای گذشته صورت گیرد، آنگاه تنها میتواند به دمد می مزاجی یا پراگماتیسم و در مورد مسئله ای که در برابر ماست اپورتونیزم و تلاشی در جهت پیدا کردن نتیجه قوا، منجر گردد.

بهمین علت است که علی رغم طرح تئوریک مسئله و طفره رفتن از پذیرش انتقاد، باز هم دم خروس تئوری راه کارگر خود را مینماید. آنها در توضیح اینکه چرا شعار نابودی اقتصادی بورژوازی لیبرال را نمیدهند (گرچه بقبول خودشان نابودی سرمایه انحصاری وابسته دامن سرمایه متوسط راهم خواهد گرفت) میگویند:

"خرده بورژوازی بدلیل پیوندهایی که با سرمایه متوسط دارد (یعنی در واقع خرده بورژوازی مرفه - رزمندگان) در شمار نابودی سرمایه متوسط، از نابودی خود و آینده اش میهراسد". راه کارگر ۲۵ تاکید از ما است.

چنین است حرفهای آن قفقا -
زی مشهور که لنین میگوید بهتر -
بین وجهی نظرات منشویکها را نشو -
ریزه کرده است .
راه کارگر معتقد است شعار
نا بودی اقتصادی ! بورژوازی لیبر
ال خرده بورژوازی را میماند .
(البته واضح است که خرده بورژوا -

زی مرثه را خواهد ماند) آنها
همین حرف را در مورد شعار نا بود
با دیستیم سرمایه داری وابسته
به امپریالیسم میزنند : پایسه
استدلال همانطور که میبینید
همچنان اقتصاد است !
اما راه کارگر که پذیرفته است
این شعار را به حد چراغ آتشی بگویند
به سیاسی و اقتصادی تبدیل میکند
آنها نمیفهمند که در انقلاب

این شعار سیاسی است که تغییر
میکند چه اتفاقی پس از انقلاب

و در جریان انقلاب بوقوع میپیوندد
آنها نمیدانند که وقتی ما شعار
نا بودی بورژوازی لیبرال را بد -
هیم (و در برابر آن ذکر کنیم منظور
نا بودی سیاسی است) باز هم
خرده بورژوازی مرفه که از لحاظ
سیاست به آن نزدیک است ر میبده
میشود . آنها راه کارگر نمیدانند که در
انقلاب ما مسئله اساسی اتحاد
کارگران با توده دهقانان و
زحمتکشان شهری است نه با خرده -
بورژوازی مرفه قضیه درست همین
جاست : راه کارگر برای توسعه ، دا -
منه انقلاب در برابر بورژوازی
لیبرال دچار ترس و تردید و سراسر
اندازی میشود و میپرسد که مبادا
خرده بورژوازی مرفه از انقلاب
برمد بدرحال لیکه آنها عملاً از انقلاب
رمیده اند ا قضیه اینجا است که دا من
انقلاب را چگونه باید گسترش داد :
با برگردن صفوف انقلاب از نیرو -
های بینا بینی یا با انفراد آنها ؟
و سیر اندازی در مقابل خدا انقلاب ؟
اینک یک دوره مبارزه اید شو -
لوزیک میان ما و راه کارگر و همه
کسانی که اندیشه ها و تئوریهای
مثابه آنها را دنبال میکنند به
پایان میرسد . ما نشان دادیم که
چگونه راه کارگر با تردید و دودلی
سرانجام میپذیرد که باید بورژوا -
زی لیبرال را نابود کرد . دیدیم که
راه کارگر قبول میکند که باید
سیستم سرمایه داری وابسته به
امپریالیسم را نابود کرد . و این
نا بودی بهر حال دا من سرمایه
متوسط را هم میگیرد . اگر چه آنها
کوشش میکنند که نشان دهند حرف

جدیدی نمیزنند ولی بهر حال آنچه
را که گفتیم بطور تنبلی پذیرفته اند
و در همین حد این امر مثبت است .
و در عین حال معایب و انحرافات
اقتصادی و سیاسی آنها را دوباره
نشان دادیم .

اینک جمع بندی از یک دوره مبار -
زه ایدئولوژیک را بایداخته داد .
لیکن راه کارگری که به اساس
مسئله میپردازد ، بایداخته اند که در
استدلال نه به شعارهای که ظاهر
شده اند و بعداً پدید گردیده اند
(مثل شعار مرگ بر امپریالیسم
آمریکا دشمن اصلی خلق ما ! بلکه
به اساس مسئله باید برخورد کرد . ما
این شعار را در هنگامی در زیر
نشریه خود دادیم که در واقع رفقای

رفقای مسئول تنظیم صفحات نشریه
بروال سابق آنرا از روی اعلامیه ها
و نوشته های گذشته ما زمان انتقال
دادند . اما این خطای ما که در واقع
خطایی تکنیکی بود ، نمیتواند توجیه کننده
خطای دیگران باشد .

بهر ترتیب راه کارگر در ادامه
مبارزه ایدئولوژیک خود با ما نه
تنها اینگونه از زیر بار تقبل خطای
گذشته خود میگریزد بلکه بدین -
شروع به ارائه نظرات ما به "روا -
یت خود" و گرا را با میل خود میکند
بطوریکه جای برخورد بیشتر با قی
نمیماند . اگر این امر حرکت از
افلاس در پاداری از مواضع و

بینش خود نکند ، بنظر ما از هیچ چیز
دیگری نمیتواند حکایت کند ★

"پایان"

سرمقاله

بقیه از صفحه ۲

ده ها را با ایده های خدا انقلابی خود
میگریزد . کمونیستها با پدرا حیل
خود را ارائه دهند تا نه تنها بگویند
توهم اولی ها بلکه تبلیغات ضد
انقلابی دومی ها را خنثی نموده راه را
برای توسعه و گسترش مبارزه و آما د -
گی انقلابی توده فراهم کنند .
توده ها با پید شدن دو ما موظفیم
که این مسئله را وسیعاً توضیح دهیم که
تنها یک حکومت انقلابی ، از ما -
پندگان حقیقی کارگران و زحمتکشان
حکومت بر مبنای شورا های انقلابی
کارگری و دهقانی حکومتی که بر
مبنای قدرت توده ها و خود قدرت
توده ها است میتواند آنها را نجات
دهد . طرح حکومت انقلابی برای تو -
ده ها است که میتواند بدینرسی جای
توهمات و تبلیغات خدا انقلابیون را
برکند . ما با پیدار گاهای حاکمیت
توده ای و وظایف آنها را روشن کنیم
و به زبان ساده بر نامه حکومتی
انقلابی را برای مردم توضیح دهیم .

میبینیم که وظیفه کمونیستها
در شرایط کنونی خطر تر از آنست که
بتوان بسادگی از آن سخن گفت .
توده ها از حکومت میبرند ولی ساز -
شکاران و اپورتونیستها از یکطرف
آنان را در توهم و فریب با قسی
میگذارند و از طرف دیگر بورژوازی به
بهر برداری از نا امیدی توده ها و
بی اعتمادیشان از حکومت میپردازد !
خرده بورژوازی حاکم تلاش میکند
پتانسیل انقلابی توده ها را بسود خود

و برای تحکیم موقعیت خود سست
دهد ! کمونیستها ؟

بورژوازی تلاش میکند از وضعیت
موجود برای ایجاد شرایط مساعد
حال خود بهره برداری کند . ما میدا -
نیم که جنبش انقلابی روبه توسعه
است و امکان آنکه بورژوازی
بتواند سلطه خود را بازگرداند و تحکیم
کند ندارد . اما این امر با دایه معنی
آن نیست که بنا به آنچه گفتیم همه

آیا باید مجذوب این درگیریها شد ؟ آیا باید یک جناح

خدا انقلاب را بر علیه دیگری تقویت کرد و برای اینکار با آن

وارد گفتگو و عقد قرارداد های محربانه گشت .

★ رفقا! هواداران! هم میهنان مبارز!

کمک های مالی شما نقش مهمی در ادامه کاری و گسترش
فعالیت ما و اهداف انقلابی ما زمان ما دارد . این کمکها
را بعنوان یک وظیفه انقلابی تلقی کنید .

برای اطمینان شما از دریافت کمک های مالی ما
به ما زمان از این به بعد یک عدد بعنوان کد انتخاب کرده
و به همراه نام اول حرف خود به دریافت کننده کمک مالی
دهید ما این شماره را به مبلغی که پرداخته اید اضافه و در
نشریه درج میکنیم .

مثلاً اگر مبلغ پرداختی شما ۷۰۰۰ ریال و کد انتخابی
۹۵ حرف اول نام شما "ج" باشد در ستون کمک های مالی
در یافت شده "ج ۷۰۹۵" را ملاحظه خواهید نمود .

طبیعی است که تدوین چنین آلتیر -
نا تیوروشنی وظیفه همه کمونیستها
ست . و بدون آن هر گونه گام بردا -
شتن به جلونا ممکن است . توده ها
باید بدانند ما چه میخواهیم و آنچه ما
میخواهیم چگونه همان چیزی است
که با منافع و مصالح آنها انطباق
دارد (ما در این مورد در شماره های
بعد مفعلاً صحبت خواهیم کرد) ★

■ - از این پس (س ج) در همه
جای نشریه ، علامت اختصاری ما زمان
چریکهای فدایی خلق ایران ، اکثر
یت است

چیز خود بخودی پیش برود و توده ها
انقلاب کنند و خدا انقلاب نابود گردد !
نه ! تا زمانی که کمونیستها متحد
نباشند و بر نامه واحدی نداشته با -
شد . تا زمانی که ما در برابر اندیشه
های مسموم و انفعالی بورژوازی
ننتوانیم راه حل خود را توده ای کنیم
و آلتیرنا تیو خود را به توده ها ارائه
دهیم ، بحران و تلاطم سیاسی وجود
خواهد داشت بدون آنکه انقلابی بو -
قوع بپيوند و تغییر مهمی صورت
پذیرد .

ما ز شکاران ، اپورتونیستها ،
و ... هیچ نمیگویند ، بورژوازی تو -

بقیه از صفحه ۱۰

اصلاحات

بلوک سیاسی حاکم در برخورد به گسترش اجتناب ناپذیر سرمایه داری دولتی موجود است. بورژوازی لیبرال میگوید تا این گسترش را حتی الی مکان محدودتر نماید و یا نجات مالکیت و فعالیت بخشهای هرچه بیشتر از بورژوازی، اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را در درجه اول بنبذ این بخشها در آورد.

خرده بورژوازی حاکم در تلاش است تا سلب مالکیت خصوصی بورژوازی و موقعیت اقتصادی اقشار این طبقه را تا آن میزان که برای نجات اساسی نظام اقتصادی و اجتماعی حاکم و قدرت سیاسی خویش لازم میآید، اندیبنفع گسترش مالکیت دولتی را داده و یا به خرده بورژوازی در پیسی آید اما به دهد. خرده بورژوازی در پیسی آنست که اصلاحات را بنبذ موقعیت اقتصادی و اجتماعی قشر خود انجام داده و این قشر را از امکانات دولتی بهره مند سازد.

اختلاف میان خرده بورژوازی مرفه و بورژوازی لیبرال در بسیاری زمینه ها با ماضی یکی بنبذ دیگری و کوشش در تقلیل جنبه های نا مساعد برای این با آن طرف قابل حل میباشد. اما اختلاف این بلوک با توده ها، بی که خواهان سرنگونی نظام سرمایه داری و وابسته هستند قابل حل نبوده و تنها با اصلاحات و انحرافات سیاسی قابل تعدیل است.

یکی از زمینه های مشخص این سازش و در واقع اعمال قدرت بلوک طرح اصلاحات ارضی است. مطالعه وضعیت روستا ها در اثر انقلاب سفید شاه و سپس رشد جنبشهای دهقانی بر پایه تضادهای موجود در روستا ها و اجبار حکومت به اصلاحات ارضی مجدد در اثر این جنبشها، و بالاخره مطالعه پروسه تنظیم و تصویب طرح و محتوای آن از بسیاری از ابهامات موجود در مورد ماهیت طبقاتی حکومت و عملکرد آن بهره بر میدارد. و بر اساس این چنین مطالعه ای است که میتوان از زمینه های مبارزه توده دهقانی و وظایف انقلابی آنها را دریافت و با تحلیل مشخص از این مبارزه و شرکت فعال در آنها و جمع بندی پراستیک این مبارزات، سمت و جهت و شعارهای مشخص آنها را تعیین نمود.

طرح اصلاحات ارضی حکومت تمام خصوصیات آن بسمتی است که حکومت میگوید به تغییرات اقتصادی اجتماعی و سیاسی در چهار چوب نظام سرمایه داری وابسته بدهد. ستمی که

بسیاری از الزامات بویژه رشدهای مبارزات توده های زحمتکش، از هم پاشیدگی اقشار فوقانی بورژوازی و حضور خرده بورژوازی مرفه ستمی در حکومت ایجاد مینماید.

نوشته کنونی نظری اجمالی به نتایج اصلاحات بورژوازی در روستاها در زمان رژیم شاه و پروسه تنظیم و محتوای طرح جدید اصلاحات ارضی است. این نوشته تنها زمینه ای است برای بررسی های عمیقتر و همه جانبه تر مسئله ارضی - دهقانی در روستاهای ایران و مبارزات دهقانان - بررسی هایی که هم اکنون در حال انجام است.

۱- اصلاحات ارضی بورژوازی

بورژوازی از تقسیم زمین - قصدی جز وارد کردن دهقانان در اقتصاد مبتنی بر تولید کالا ندارد. بورژوازی با این عمل خود، هم اقتصاد بسته، فئودالی را درهم میکند، هم پتانسیل انقلابی دهقانان را کاهش میدهد و هم سپردن قطعه ای زمین به آنها، سعی میکند دهقانان را جزو سپاه حافظان مالکیت در آورد و هم آنها را وارد بازار رقابت نماید. در نتیجه زمین را که از این دست به آنها سپرده است از دست دیگر بازمیگیرد. بورژوازی نمیداند که قطعات پراکنده زمین دهقانان و سرمایه اندک آنها در مقابل سرمایه عظیم و امکانات تولید و توزیع سرمایه داران مانع کوچکی خواهد بود و در پیرا زود آنها را خواهد بلعید و دهقانان را به صف مزدگیران پرتاب خواهد کرد. با این همه، اصلاحات ارضی را با احتیاط فراوان انجام میدهد. تقسیم زمین تا آن حد مطلوب اوست که مالکیت بزرگ بورژوازی بر زمینها را تهدید نکند و آنها بتوانند از راههای جدید به بهره کشی و سودورزی خود ادامه دهند.

اصلاحات ارضی شاه که بدلیل هر اس از نیروی متراکم شونده و انتقال بی خلق تحت ستم سیستم بهره کشی فئودالی و به منظور آماده کردن شرایط لازم برای بهره کشی سرمایه (وابسته) انجام شد، اصلاحاتی بورژوازی بود که روابط تولیدی سرمایه داری را در روستا ها و در کل جامعه گسترش داد.

بدنیال قیام و به قدرت رسیدن حافظین جدید سرمایه داری وابسته، برای هیات حاکمه چیزی بیش از آنکه شاه انجام داده بود "صرف"

نمیکرد. زیرا چارچوبی که سرمایه داری وابسته بتواند در آن به جمع آوری سودهای کلان و استثنای رخلیق (در اینجا دهقانان) بپردازد با "اصلاحات سفید" بخوبی فراهم شده بود و هیات حاکمه فعلی دلیلی نمیداد در آن تغییری دهد. بخصوص اینکه اغلب زمینهای بزرگ و مکانیستزه بورژوازی بزرگ اکنون مصادره شده و یا بی صاحب مانده و با مال به مالکیت دولت درآمده بودند.

اما توده های دهقانی به وعده های این جهانی و آن جهانی در اثر روبروشدن با آثار عینی آن اطمینان نکرده و وقتی دیدند که هیات حاکمه ضد انقلابی در فکر آنان نیست، خود دست بکار شدند و بر مالکیت بزرگ ارضی یورش آوردند. این خواست حرکت خودجوش دهقانان بوده و هست که برای حل مسئله ارضی و حل فقر و سیاه روزی خویش به راه حل ساده "تقسیم زمین به تکه های فراوان و تعلق جداگانه ایس تکه ها جهت رسیدن به یک زندگی بخور و نمیر دست بزند. این "راه حل ساده" از خلقت طبقاتی جنبش خودجوش دهقانی بر میخیزد که بدون رهبری پرولتری، ابتکاری خرده بورژوازی است. در واقع با سوء استفاده از همین "راه حل ساده" است که بورژوازی جنبشهای خودجوش دهقانی را مهار میزند. به این ترتیب بورژوازی پروسه انقلابی مصادره زمینها و مالکیت دهقانان بر زمینها را که میتواند از دل جنبشهای دهقانی بیرون بیاورد (در صورت رهبری انقلابی پرولتری) به پروسه پذیرش اصلاحاتی تبدیل میکند که معنای آن پروسه، تدریجی و در دناک قشر بندی روستاها، پروسه تشدید فقر و فلاکت دهقانان و پروسه جداشتن تدریجی دهقانان از روستاها، از شدت فقر و روئ آوردن آنها به شهرها است.

جنبش دهقانی، بعنوان یک جنبش دمکراتیک، از جنبه سیاسی و محتوای انقلابی دمکراتیک آن برای پرولتاریا اهمیت فراوان دارد. جنبش دمکراتیک دهقانان بر علیه فئودالها و در جوامع سرمایه داری وابسته، بر علیه زمینداران بزرگ و بقایای فئودالیسم، میتواند بعنوان یک نیروی بزرگ با مبارزه پرولتاریا برای کسب قدرت سیاسی همگامی و همراهی نماید. پرولتاریا همواره از این جنبش حمایت میکند زیرا که

تخریب انقلابی و سریع جامعه کهنه علاقمند است. تا بودی نظام کهنه هر چه سریعتر با شرکت فعالانه توده ها صورت گیرد، امکانات بهتری را برای گذار به سوسیالیسم فراهم خواهد نمود.

برای حل مسئله ارضی - دهقانی حرکت انقلابی آنچنان حرکتی است که بتواند قدرت توده ای را برای پیدایش شکل عالیهتری از تکامل اقتصادی در کشاورزی تامین کند و تنها در چنین صورتی میتواند مورد تأیید پرولتاریا قرار گیرد. بعبارت دیگر پرولتاریا نه تنها به انقلابی بودن چگونگی این حرکت، یعنی

حرکت دهقانان برای حل مسئله ارضی مالکان بزرگ، بلکه برای انقلابی بودن نتیجه این حرکت یعنی برداشتن مرزهای میان تکه زمینها و کاهش هر چه بیشتر مالکیت انفرادی و کار جداگانه نیروی زمینها که از جمله علت های اصلی فقر و سیاه روزی توده دهقانان است تا کید میورزد. با چنین درکی از "راه حل" است که پرولتاریا به تبلیغ و ترویج و سازماندهی در میان توده دهقانان پرداخته و مبارزه آنها را هدایت مینماید و البته گام اول در این راه، متشکل شدن دهقانان برای مصادره دستجمعی زمینهاست.

اصلاحات بورژوازی که برای مهار نمودن جنبشهای دهقانی دفاع از مالکیت خصوصی بورژوازی بر زمین و گسترش این مالکیت در میان این طبقه صورت میگیرد، اصلاحاتی است که با تقسیم تعدادی از اراضی مصادره (با پرداخت غرامت از بیت المال) در میان دهقانان در صورت دهقانان با "راه حل ساده" آنها در تطابق میباشد. زمین کوچک دهقانان و وامها و تعهدات داده شده و وابسته قهقرای فلاکت میکشاند و عاقبت به نحوی از انحاء زمین به مالکیت بورژوازی در میآید. دهقان آزاد و به شهر آورده و به خیل اردوی ذخیره کار در میآید.

بنابراین اصلاحات ضد انقلابی برای هدف صورت میگیرد. اولاً کاهش استعداد انقلابی دهقانان و ثانیاً، بهره برداری سودآورتر از زمین با شیوه های بورژوایی و نیز استفاده از نیروی کار روستا در مصرف نهفته در روستا در خدمت نظام سرمایه داری. تقسیم مقداری از زمینها در میان دهقانان از مهمترین روشها بی است که دود و دود فوق را بر آورد میسازد. زیرا اولاً تعدادی از رعایای

بقیه از صفحه ۱

سرمایه داری وابسته را به اتحادیه
تدابیر جدیدی وادار میکنند. تدبیر
بیری در کنار تدبیر سرکوب، تدبیر
اصلاح معمول اصلاحات راضی رژیم شاه
که بدنبال دوره ای از قشر بندی جدید
در روستاها معلوم گشت، توده دهقان
را بر روی تکه های کوچک زمینها و
زمینهای بزرگ و مرغوب رادردست
مالکان بزرگ ارضی (دولتی و خصوصی)
متمرکز نمود. قشر خرده بورژوازی میر
نهر روستاها (خرده مالکین) نسبت به

ادامه این جنبش دامین زمینهای
متوسط و موقعیت مرفه آنان را نیز
فرا میگرفت.

دولت وظیفه دفاع از نظام سرمای
یه داری وابسته را بعهده داد و این
ببود بورژوازی وابسته است. اما
اینکه این دفاع چگونه صورت میگیرد
و سود طبقه بورژوازی چگونه تا میسر
مینماید و چه شکلی بخود میگیرد،
بنا به شرایط عینی و ذهنی حاکم بر
جامعه تفاوت میکند، با سرنگونی
اقتدار فوقانی بورژوازی از قدرت
سیاسی و درهم ریختن قدرت اقتصاد

بسیار زیادی از آن را بخود میدهد
است انجام میدهد. ضمناً این
بویژه خرده بورژوازی است که بطور
عمده توسط این دستگاه بسوی بور
ژوازی بزرگ جلب میگردد و تا بسج
وی میشود. و این دستگاه قشرهای
فوقانی دهقانان و پیشروان جز و
سوداگران و غیره را به مشاغل نسبتاً
راحت و بی درد سروا بر مینماید و
رد و دارندگان این مشاغل را ما
فوق مردم قرار میدهد.
"دولت و انقلاب"
ما این جنبه از جذب خرده بورژ

و روابط بورژوازی را گسترش میدهد.
و در جامعه ما گریزی از خصوصیات
نظام سرمایه داری وابسته نخواهد
داشت. اما ضعیف خود دولت دودست
گرفتن امور تولیدی و اقتصادی
آن رانه تنها از چنگ انداختن بر
روی تولیدکنندگان کوچک که
بهم میهمی در تولید و اقتصاد دارند
با ز می دارد، بلکه با اعکس با جلب
حمایت آنها میگوید تا هم بحران
اقتصادی را کاهش دهد و هم از نظر
سیاسی ثبات پیدا کند.
بورژوازی لیبرال از همین

اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی



رژیم شاه وضعیتی دوگانه داشت. از
یکسو از نظم موجود و مستقر در روستاها
بر علیه توده دهقانی بهره میبرد،
و از سوی دیگر نسبت به سیاست حکومت
مبنی بر پیشپانی از مالکیت
بزرگ روستاها که عرصه روستاها را از
نظر اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بر
خرده مالکین تنگ می نمود اعتراض
داشت.

ورود خرده بورژوازی مرفه سنتی
به قدرت سیاسی جدید که بخصوص از طریق
بخشی از روحانیت تامین شده بود،
برای خرده مالکین طلبه امید
بخشی بود که امکانات دولتی قدرت
جدید را به خدمت خود درآورد. در حال
لیکه جنبشهای توده دهقان روبه گستر
ش و تعمیق است، مهار نمودن این
جنبش از طریق اصلاحات محدودی در
مورد مسئله ارضی که بدون هیچگونه
لطمه ای به منافع خرده مالکین
خصوصاً و با حداقل لطمه به منافع
مالکین بطور کلی، و با جبران
" خسارات وارده " به آنها از ناحیه
امکانات دولتی انجام گیرد، برای
خرده مالکین ضروری است. زیرا

دی آنها، مالکیت بزرگ بر وسایل
تولید سرعت روبه شکل دولتی دارد.
در واقع نظام سرمایه داری وابسته
که قبلاً از سوی عنا صرو محافل و گرو
ه بندیهای اقتدار فوقانی بورژوازی
و رژیم آنها حفاظت میگشت، امروز
بشکل جدیدی ادامه حیات یافته و
محافظت میشود.

حضور قشر فوقانی خرده بورژ
وازی در قدرت سیاسی، از لحاظ مال
هیت و نقش این قدرت، در رابطه با
اساسی نظام اقتصادی و اجتماعی حال
کم تغییر نکرده و نمانده و نمیدهد، اما
گسترش مالکیت دولتی امکانات
فراوانی را بفتح خرده بورژوازی فر
اهم میکند و اصولاً با تکیه بر این
استقبال است که سرمایه داری دولتی
گسترش مییابد.

لنین در مورد جذابیت گسترش
دستگاه دولتی برای خرده بورژوازی
مینویسد:
"بسط و تنگ و تحکیم این
دستگاه اداری و نظامی در جریان
تمام انقلابهای بورژوازی که اروپا
از زمان سقوط فئودالیسم تعداد

وازی به دستگاه دولتی نظام
سرمایه داری را در جامعه خود بویژه
بعد از سرنگونی رژیم شاه مشاهده
میکنیم. تعویض بسیاری از بورژ
کراتهای سابق به سرپرستان و
ناظرین جمهوری اسلامی و پیدایش
ارگانهای جدید حکومتی (سپاه
پاسداران، کمیته ها، جهاد سازندگی
بنیاد مستضعفین و...) که ایضا
همگی اجزاء دولت بمفهوم لنینی
کلمه هستند و با تکیه بر خرده بورژ
وازی به دستگاههای اداری و نظامی
بوده است.

اما انقلاب ۵۷ ایران با انقلاب
بهای بورژوازی اروپا تفاوت های
بسیار یدارد. ولذا نه تنها دستگاه
اداری و نظامی را گسترش داده و خرده
بورژوازی را بخود جلی مینماید،
بلکه نقش خرده بورژوازی در این
انقلاب و حضور قشر فوقانی آن در قد
رت سیاسی اقتدار فوقانی بورژوازی
را درهم شکسته و سرمایه داری دولتی
را رواج میدهد. شکی نیست که
سرمایه داری دولتی در واقع مال
کیت بزرگ بر وسایل تولید است

اندازه هم بسیار ناراحت است.
اگر کار به روال مورد نظر او جلو
میرفت اصلاحات اجتناب ناپذیر
راحتی امکان محدود و بخشهای هر
چه بیشتری از بورژوازی بزرگ
را هم از این عارضه معاف مینمود.
جنبشهای کارگری و دهقانی و کلاً
توده های زحمتکش مانع اصلی این
محدودیت میباشد. اما مانع دیگری
که در مقابل بورژوازی لیبرال قد
علم میکند حضور خرده بورژوازی میر
فهرستی در قدرت سیاسی است.
خرده بورژوازی حاکم بنا به
فصلت طبقاتی خود اصلاحات را تا آن
میزان که برای نجات دادن سیستم
اقتصادی - اجتماعی حاکم ضروری
است، لازم میدانند و البته میکوشد
که این اصلاحات در درجه اول متو
جه بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماع
عی و سیاسی قشر خودش باشد. زیرا از
این رهگذر نه تنها موقعیت قشر
خود را تحکیم، بلکه حضور خود در قدر
ت سیاسی را تضمین مینماید.
اکنون دو کرایش متفاوت در
بقیه در صفحه ۹

قطع کامل رسته های خونین امپریالیست
فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

دوشنبه ۹ تیر ۱۳۵۹
تک شماره ۱۵ ریال

پیک رزمندگان

رانندگان تاکسی شهر به شهر مبارزه برای حقوق صنفی

به تجمعشان در وسط خیابان
جلوی ماشینها نشستند هنوز
یک ساعت از این مسئله نگذ
شته بود که بقیه در صفحه ۷

هفته دوم خرداد تا کسیر -
انان اهواز به عنوان اعتراض
به بی توجهی دولت نسبت به
خواستهایشان در جلوی استاد -
یوم ورزشی اهواز اجتماع
کردند ولی تا حدود ظهر به
خواستهایشان پاسخی داده نشد
و اطلاق کسی سرانجام نیا مدو
آنها به عنوان اعتراض
به این بی اعتنائی مسئولین

توده‌های خروشانند!

'کمیته مرکزی' فدائیان به آستانبوسی بورژوازی می‌رود!

- نه جانم! این امتیاز
زات، نمیشود این امتیاز را به
بخشی از مردم داد.
- آخراگر ندهید "ما
نمیتوانیم تبلیغ کنیم، تفاهم
کنیم" ... بقیه در صفحه ۹

- آقای بهشتی بایستد در
کردستان ملحق بوجود بیاید،
آن خدا قل حق را که در چهار
چوب جمهوری اسلامی قابل
قبول هست "به مردم کردستان
ندهید.

در صفحات دیگر می‌خوانید:

● دوستی دولت پاکستان و ایران
بر سر چیست؟

● یک مسابقه پرهیجان برای
خوانندگان باهوش!

● قیاسی میان
بخشنامه‌های 'فلاحی' و 'آزهار'!

● اخبار کردستان

● حمله کمیته چپ‌های آبادان
به کتابفروشی‌ها!

● و ...

دشمنان خلق دست یکدیگر را رو میکنند!

در چند ماه اخیر، جناح
بنی صدر و لیبرالها در حکومت
در پی انقلاب فرهنگی آنچنانی
تحت فشارهای زیادی بوده و
مرتباً از جانب حزب جمهوری
اسلامی مورد حمله قرار میگیر -
فتند. بقیه در صفحه ۲

علنی شدن سخنان آیت
یکی از سردمداران یوبنیان
گذرا را زوئور یسینهای حزب
جمهوری اسلامی علیه بنی صدر،
یکی دیگر از حوادث جنجال
برانگیز سیاسی هفته گذشته
بود و بار دیگر توجه زحمتکشان
ما را بخود جلب نمود. آنها بار
دیگر در ریافتند که چگونه طالبان
قدرت، هر لحظه برای رسیدن
به جاه و مقام به توطئه‌گری
علیه منافع آنان پرداخته و در
پشت چهره حمایت از
"مستضعفین" خون خلق را
و شقیه‌بازی‌های سیاسی خود
قرار میدهند.

هیئت حاکمه بارها سعی
نموده بشیوه‌های گوناگون
رفرم و سرکوب مبارزات طبقاتی
تی و جنبش انقلابی را در جامعه
نابود ساخته یا به انحسراف
بکشانند و اوضاع را بر وفق مراد
خود تثبیت نماید. اما تاکنون
تنها شکست پاسخ این سعی و
کوششها بوده است. و هر بار پس
از هر شکست هر دو جناح همانند
حیوانات وحشی از بند رسته به
تکه پاره کردن یکدیگر -
پرداخته‌اند. و گناه این شکست
را به گردن یکدیگر انداخته‌اند!

نگاهی به: مردم و مجاهدین

"آیا فراموش کرده‌اید،
در بسیاری از حملات فالانژها
به مراکز و دفاتر شما و هوادار -
نتان، این پاسداران هستند
که به نفع مرتجعین وارد عمل
میگردند"
"کاش یک روز با پاسدار -
انی که ما باید فرمانبرشان
را بکنیم از نزدیک برخورد
داشتید و میدیدید که چه مشکلاتی
برای فروش مجاهدین و ایمان
ایجاد میکنند..."

"اینهم از سیاهی که
اینقدر سنگش را به سینه میز -
دید، آیا غیر از این بود که
پاسداران به روی مردم

قصه برای
بزرگسالان

بقیه از صفحه ۱ دشمنان خلق...

جریان طبس و دخالت عوامل آمریکا در ارتش جمهوری اسلامی، به حزب جمهوری امکان داده بود که برای تضعیف بنی صدر در قدرت و قبضه کردن همه امور در استان خود، دست به افشاکاری علیه بنی صدر زده و رامنزوی کند. البته این واضح

شده در روزنامه ها روشن است، خط به خط سخنان آیت، حکایت از توطئه های سازمان یافته و حساب شده مینماید. اما برخلاف آنچه که روزنامه ها میخواستند نشان دهند، بنی صدر بلکه بر علیه جنبش انقلابی و بر علیه منافع خلق ستم دیده و بر

اگر روزنامه انقلاب اسلامی این نواری افشاء میکند، مانوری است برای امتیاز گرفتن در مورد انتخاب نخست وزیر و هرگز، علیرغم ادعاهایش برای آگاه کردن توده ها نیست

است که این افشاکاری ها نه برای آگاهی توده های مردم، بلکه برای قبضه کردن قدرت و بکار بردن شیوه های خاص حزب در سرکوب مبارزات بکار میرفت. اما لیبرالها، و بنی صدر نیز نمیتوانستند ساکت بنشینند آنهم زمانی که انتخاب نخست وزیر نزد یک است! آنها نیز باید دست بکار میشدند تا برای قبضه کردن قدرت به منظور سرکوب مبارزات خلق و تثبیت اوضاع به شیوه های خود جناح دیگر نشاء کنند.

با اواخر روزنامه انقلاب اسلامی پس از اینکه بنی صدر چندین بار "فرصت طلبانی" را که در راه برقرار شدن "حاکمیت" و "امنیت" در مملکت کارشکنی میکنند، تهدید به افشاء نمود و درست در زمانی که "رئیس جمهور" با سران حزب جمهوری اسلامی نظیر بهشتی و دیگران در جلسه شورای انقلاب "میثاق وحدت" میبستند، متن نواری سخنان آیت را رومیکند! عجب ضربه تلافی جویانه ای که سران حزب مجبور به تشکییل نشستهای ویژه و دادن توضیح و اطلاعاتیه و بیانییه مینماید! همانطور که از متن نوشته

علیه نیروهای انقلابی و کمو نیستهاست.

"انقلاب فرهنگی" یا عبارت صحیح ضد انقلاب فرهنگی و یورش مغول وارو همه جانبه به دانشگاههای ایران یکی از اساسی ترین توطئه های برنامه ریزی شده میباشد که هدف آن نه بنی صدر بلکه نیروهای انقلابی و کمونیستها میباشد. البته بعد این یورش به دبیرستانها نیز سرایت خواهد کرد. همانطور که "جناب آیت" فرموده اند:

"دانشجوها، چون دانشجویان عنوان دانشجویان را شما باید شروع کنید به کنترل کردن، برپید درس بدهید بحث کنید (هر دبیرستان دونفر)، دانش آموزان را حوزه بندی کنید همطور که آنها میروند (کمونیستها) شما هم باید بروید. آنها را هم شروع میکنید در کارشان مشکل ایجاد کردن، نمیکذارند بیا-ئید آنجا. کمونیستها که مطلقاً میماند مجاهدین که عنوان اسلامی دارند بخودشان، آنها عملاً جلوی شان را میگیرند و...."

اما برای اجرای ایسن توطئه امید چندانیه به "بالا

نمودن زرادری "بالا" لیبرالها از رشد نا رضایتی مردم بوحشت افتاده و با اجرای این طرح به این شیوه مخالفت خواهند کرد. پس میبایست جریان را از "پائین" شروع کرد. از طریق عوامل خود در دانشگاهها یعنی انجمن های اسلامی. بعد لازم است نظر مردم به حمایت از این عمل بوسیله مساجد و منا بر جلب شود. بطوریکه بعداً بگویند که این خواست "مردم" بوده است. همانطور که تاکنون انجام هر عمل جنایتکارانه خود را با سپر "خواست مردم" پوشانده اند. بدین ترتیب برنامه ریزان به مزدوران خود در تبریز (محل شروع توطئه یورش) با اتکاء به طرح و برنامه خود توصیه میکنند:

"به بچه ها بگوئید (منظور انجمن اسلامی که در تبریز دانشگاه را در اشغال خود دارند) قرض و محکم باشند. بزو دی موج عوض میشود، به بچه ها بگوئید که قرض و محکم باشند و ترس نداشته باشند تصمیمی گرفته شده را تغییر و تغییر ناپذیر است، دانشگاهها بعد از ۱۴ خرداد تعطیل میشود....." آیا این توطئه علیه بنی صدر است؟ ما میگوئیم نه! و همانطور که در زمان انجام

بستن دفا ترسیاسی میخواهند انجام دهد. به همین دلیل وقتی توطئه توسط حزب جمهوری اسلامی ریخته شده، بنی صدر نه تنها با آن مخالفت نکرد بلکه بقول آیت "بر موج سوار شد" و رهبری این جنایت را بدست گرفت و عاقبت جریان را تا حدودی بنفع خود و بشیوه خود فیصله داد. اکنون نیز در حال بهره برداری از نتایج آن است.

جالب توجه آنکه هر دو جناح سعی میکردند نشان دهند که نیروی مردم پشت سیاستهای آنان میباشد! همانطوریکه کمونیستها و نیروهای انقلابی بکرات در تبلیغات خود اعلام نموده و نشان داده اند که چگونه دست اندرکاران قدرت برای پیاده نمودن طرحها و مقاصد خود و بدست آوردن هر چه بیشتر کرسی در قدرت سیاسی نیروی توده ها را ملعبه دست خود قرار داده اند و از توهم زحمتکشان بنفع خود سود میجویند و چگونه توطئه ها و دسیسه های خود را به نام خواست مردم به اجرا در میآورند. اکنون آیت در سخنان خود به این شیوه ردیلا نه اقرار مینماید:

"... ما ندانیم مردم که مردم هم جهت ندارند و جهتشان

بر خلاف آنچه که روزنامه ها میخواستند نشان دهند توطئه حزب جمهوری اسلامی نه علیه بنی صدر، بلکه بر علیه منافع خلق ستم دیده و بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیستهاست.

هم روحانیت است. روحانیت هم که وقتی درست برگردانند عموم مردم هم بر میگردند. الان هم عموم مردم هنوز دقیقاً در جریان نیستند که به تکیه فکر میکنند بنی صدر و بهشتی هم در یک جریان هستند...."

بله حزب جمهوری اسلامی و کل هیئت حاکمه با در دست داشتن کلیه وسائل تبلیغی از بقیه در صفحه ۵

توطئه حمله به دانشگاهها و کشتار دانشجویان مبارزو انقلابی و پس از آن بارها و بارها اعلام نمودیم که یکی از اهداف هیئت حاکمه جلوگیری از فعالیت سیاسی دانشجویان است. زیرا آنجا را سنگری علیه خود و بنفع زحمتکشان میبینند. و در این میان یک جناح این کار را با بستن دانشگاه و جناح دیگر تنها با

نگاهی به: مردم و مجاهدین

آتش گشودند....

(مجاهد شماره ۹۲ ص ۷۹)
اینها همه فریادهای
هواداران انقلابی و مبارز
مجاهدین است، هوادارانی که
از دل و جان کار میکنند و به
سازمان خودایمان دارند،
هوادارانی که هر روز مجاهد
میفروشند، هوادارانی که
در دفاع ترکان میکنند و در حمله
به دفاع ترکان مبارزان کتیک
میخورند، و مجروح و زخمی
و کشته میشوند چرا این هواد-
اران باید قبول کنند که
تخت فرماندهی همان کسانی
که آنها را کتک میزنند، همان
کسانی که نمیگذارند صدایشان
را به گوش کارگران و زحمتکش
برسانند و بالاخره همان کسانی
که "به نام مبارزه با کفر و
الحاد مردم محروم مبارا
(در کردستان) به خاک و خون
میکشند؟" (نقل از مجاهد شماره
۹۲ ص ۷) مبارزه کنند
اعضا و هواداران مجاهدین
با واقعیت روبرو شوند و واقعیت
آنها را مقابل سیاست سازمان
مجاهدین خلق در مورد "قرار

هیئت تحریریه سازمان
مجاهدین به این اعتراضها
چنین پاسخ میدهند:
"انتقادات در این مورد
فراوان بود ولی ما هنوز هم که
هنوز است به آنچه که در اعلامیه
گفته ایم معتقد و وفاداریم"
چرا؟

سازمان پاسخ میدهد:
به نظر ما سپاه پاسداران اساساً
از توده های محروم مردم
تشکیل شده است و اکثریت
برادرانی که در سپاه عضویت
دارند جوانانی هستند که در
مبارزه با شاه خائن نیز نقش
داشته اند

اما سازمان مجاهدین
خلق به این سؤال هم باید
جواب دهد: کدام ارگان سرکوب
از توده های سرمایه دار و
توده های میلیونی و توده های
غیر مردم تشکیل شده است؟
ارتش، ژاندارمری، شهربانی
حتی گارد دانشگاه در زمان
رژیم شاه از چه کسانی تشکیل
شده بودند؟ آیا سربازان
فرزندان کارگران و دهقانان

سازمان مجاهدین خلق به این سؤال
هم باید جواب دهد: کدام ارگان سرکوب از
توده های سرمایه دار و توده های میلیونی و
توده های غیر مردم تشکیل شده است؟

وزحمتکشان نیستند آیا کسانی
که به پاسبانی و خدمت در
شهربانی رومی و رند (بجز
فرماندهان مزدوران) از
فقرترین اقشار زحمتکش
نیستند؟ حتی تعدادی از
افراد گارد دانشگاه
هم از بچه های پرورشگاهی
بود که آنها را با افکار

دادن میلیشیا تحت فرماندهی
سپاه پاسداران "قرار میدهد
و باین ترتیب سیل اعتراض و
نامه به سوی سازمان که چنین
سیاستی را برگزیده سرازیر
میشود، فریادها به آسمان
میرود و سازمان مجاهدین در
مقاله مردم و مجاهدین به
پاسخگویی مینشیند"

فاشیستی شستشوی من-میزی
داده و به جان دانشجویان میا
رزو انقلابی می انداختند.
درست است که سپاه پاسداران
هم چون تمامی ارگانهای
سرکوب حکومتها از توده های
مردم تشکیل شده است و هما -

نظور که نوشتید "اکثریت
آنها جوانانی هستند که در مبار
زه با شاه خائن نقش داشتند"
اما بعد چه شد؟

سازمان خود پاسخ میدهد:
"بسیاری از جوانان پرشور و
انقلابی در این نهاد تصفیه
شدند، بسیاری دیگر که طاقت
دیدن اعمال نفوذ غیر مردمی
را نداشتند خود استعفا
کردند..... به نظر ما بسیاری
از عملکردهای اشتباه برادر-
ان پاسداران ناشی از ما -
هیت خودآنان نیست بلکه ناشی
از ما هیت جنگ افروزی است
که از احساسات پاک و بی آلاش
این عزیزان سوء استفاده کرده
و آنان را در جهت اهداف جنگ
طلبانه و مرتجعانه خود بسیج
میکند"

سازمان مجاهدین خود
اعتراف میکند که سپاه از
جوانان پرشور و انقلابی خالی
شده بسیاری تصفیه شدند و
بسیاری از دیدن اعمال غیر
مردمی استعفا داده اند اما با
وجود این سازمان مجاهدین
میخواهد میلیشیا خود را
تحت فرماندهی این سپاه
قرار دهد! سپاهی که از اعضای
خود در جهت اهداف جنگ طلبانه

و مرتجعانه استفاده میکند!
سپاهی که امروز از احساسات
پاک عنا مر خود استفاده میکند
آیا فردا از احساسات
پاک میلیشیا شما استفاده
نخواهد کرد؟ در آن موقع
هم ما هیت مرتجعانه سپاه -

ارگانهای سرکوب سیستمی ما و رای تک
تک اعضا آن هستند و ماهیتی متفاوت با آن
دارند.

و میلیشیا شما با هم درخ
مت جنگ افروزان قرار نخوا
اهد گرفت؟ هر چند که عناصر
میلیشیا شما هم چون
عده ای از پاسداران همچنا
نکه عده ای از سربازان همچنا
نکه عده ای از پاسبانها، ما -
هیت جنگ افروزی نداشته با
شد که ندارند!
سازمان مجاهدین خلق
ایران باید جواب دهد که آیا
مگر ما هیت یک سرباز جنگ
افروزی است؟ آیا مگر سربا
زی که بروی مردم آتش
میگشاید میخواهد خلق و کار -
گران و زحمتکشان را به شهاد
برساند؟ ارگانهای سرکوب
سیستمی ما و رای تک تک
اعضا آن هستند و ماهیتی
متفاوت با آن دارند و این
مسئله ایست که سازمان مجا
هیدین خلق آگاهانه از آن
میگذرد.

این درست است که بسیاری
از پاسداران در راه رژیم شاه
مبارزه کرده اند، بسیاری از
پاسداران به رژیم جمهوری
اسلامی متوهم هستند و تصور
میکند که این رژیم میتواند
منافع کارگران و زحمتکشان
بقیه در صفحه ۴

سرکوب نیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است!

نگاهی به مردم و مجاهدین

را برآورده کند، و بسیاری از آنان فرزندان کارگران و زحمتکشان هستند ولی فرمادهی این سپاه در دست چه کسانی است؟ این سپاه در خدمت اهداف چه کسانی به کار برده میشود.

چه کسی را سرکوب و از منافع چه کسانی دفاع میکند و کارنامه ۱۵ ماهه این سپاه کدام است؟ آیا در کارنامه سپاه سداران چیزی جز حمایت از منافع سرمایه داران و سرکوب کارگران و زحمتکشان دیده میشود؟ آیا عناصر سپاه میتوانند حرکتی جدا از فرماندهان خود داشته و مردمی عمل کنند؟

شما مینویسید در بسیاری از نقاط؟! سپاه دارای عملکردی کاملاً مردمی و انقلابی بوده اند؟ اولاً یک نقطه از این بسیاری نقاط را نام ببرید! اما فرض کنیم چنین بوده است: کجا بوده که سپاه پاسداران به عملکردی جزیی در بل استثمای رگران دست زده باشد و مورد مواخذه فرمادهان خود قرار نگرفته باشد؟ کجا بوده که سپاه پاسداران برای یک حرکت مردمی بسیج شده باشد و علیه سرمایه داران مبارزه کرده باشد، کجا بوده که بعضی از عناصر سپاه از منافع مردم در مقابل فتوایها و سرمایه داران دفاع کرده باشند و فوراً رهبران آنها و دیگر سران حکومتی جریان را به حال اول خود در نیاورده باشند؟ آیا عناصر سپاه میتوانند به عملکردی جز آنچه که از بالا برایشان دستور میرسد دست بزنند و "واقعیت عینی عملکردهای

غیر مردمی آنها" که موجب میشود به نظر شما "تأثیر یکپارچه کاردرستی به نظر نرسد" به همه هر روز نشان میدهد که سپاه در مقابل منافع کارگران و زحمتکشان قرار گرفته است ولی شما باز بر "برخورد دوگانه خود" پای میفشرد!

اما استدلال سازمان برای در اختیار گذاشتن میلیشیا خود تحت فرماندهی پاسداران

آیا وظیفه نیروهای انقلابی اطاعت از همان فرماندهان مرتجع و ضد مردمی است که سپاه پاسداران برای اهداف جنگ طلبانه و مرتجعانه خود بسیج میکنند، یا بیرون کشیدن پاسداران انقلابی که میخواهند با آمریکا مبارزه کنند، از زیر یوغ این فرماندهان؟

چیست؟

سازمان پاسخ میدهد: "باید به منافع کلی انقلاب فکر کرد؟! چنانچه برادران پاسدار ما بخوانند با آمریکا مبارزه کنند. هم چنانکه بسیاری از آنان میخواهند ما وظیفه خود میدانیم که با تمام قوا از آنها پشتیبانی و حمایت و حتی اطاعت کنیم." اما سازمان مجاهدین در همین استدلال خود دچار تناقض میگردد:

فرض کنیم بسیاری از "برادران" پاسدار بخوانند با آمریکا مبارزه کنند، ولی فرماندهی آنها در دست کسانی باشد که شما آنها را مرتجع و فرصت طلب میخواهید و ما آنها را ضد انقلاب حال بهایین سوال پاسخ دهید در چنین وضعیتی وظیفه نیروهای انقلابی چیست؟ آیا وظیفه

از همان فرماندهان مرتجع و ضد مردمی است که سپاه پاسداران برای اهداف جنگ طلبانه و مرتجعانه خود بسیج میکنند، یا بیرون کشیدن پاسداران انقلابی که میخواهند با آمریکا مبارزه کنند، از زیر یوغ این فرماندهان؟ پاسخ ما - زمان مجاهدین پاسخ اول است و به همین علت است که میلیشیا خود را که از جوانان انقلابی تشکیل شده برای منافع کلی انقلاب؟! برای مبارزه با آمریکا؟! در خدمت سپاه پاسداران قرار میدهد و البته همان فرماندهان مرتجع و جنگ طلب و نه یک یک پاسدارانی که از فرزندان زحمتکشان

هستند جواب دندان شکنی به آنها میدهد و هواداران نیز در برخورد به واقعیت عینی نمیتوانند این رهنمود را بپذیرند. سازمان مجاهدین میگوید برای آنکه به پاسداران نشان دهیم که ما هم با آمریکا مبارزه میکنیم و نگذاریم ما را ضد پاسدار معرفی کنند باید به زیر یوغ فرماندهان مرتجع پاسداران برویم یا بدرویم و در مبارزه های که آنها با آمریکا میکنند همراه شویم: اما پاسداران میگویند: "سرکوب نیروهای مسلح در کردستان جنگ با آمریکا است، تیراندازی به مجاهدین منافع جنگ و نهیرد با امپریالیسم است، اگر راست میگوئید با ما همراه شوید!" اما مجاهدین پاسخی دیگر دارند آنها که هنوز نیرویی انقلابی به شمار میروند

انقلاب شرکت کنند نمیتوانند میلیشیا خود را به کردستان بفرستند، نمیتوانند با سپاه پاسداران به دفاع ترخود حمله کنند! و به همین علت مبارزه با آمریکا را نه در فروش نشریه مجاهد که پاسداران مانع آن هستند در برپا کردن دفتر و کیوسکهای کناره خیابان که پاسداران آنرا آتش میزنند، نه در برگزاری میتینگ در امجدیه که پاسداران بدان تیراندازی میکنند بلکه در جایی دیگر جستجو میکنند و از اینرو اطاعت از پاسداران را در مبارزه های "اھی با آمریکا" که معلوم نیست کی چگونه و به چه صورتی است جایز می شمارند و مینویسند "در کار مبارزه با امپریالیسم آمریکا چنین اطاعتی را ضروری نمی شماریم!"

سازمان مجاهدین به این سوال پاسخ نمیدهد که مگر فروش نشریه مجاهد، برگزاری میتینگ و برپا کردن دفتر و کیوسک در پمپ بنزین انجمن میثاق و دیگر شهرها مبارزه با آمریکا نیست شما میگوئید اینها مبارزه با آمریکاست و اینها مبارزات مبارزه با آمریکاست پس چرا در مبارزات با پاسداران میگویند سرکوب مبارزات با پاسداران همراه نمیشود؟ پاسداران سرکوب "مبارزه شما با آمریکا" را "مبارزه با آمریکا" میدانند! آیا مبارزه با آمریکا از دیدگاه فرماندهان مرتجع سپاه پاسداران سازمان مجاهدین خلق دوتا نیست؟ بنظر ما چنین است. و از اینرو است که هواداران سازمان مجاهدین در مبارزه با آمریکا نمیتوانند از فرماندهان مرتجع سپاه پاسداران اطاعت کنند. و همه توضیحات و توضیحات، جزییات، سیاست سازی در امر انقلاب نمیتواند چیز

قیاسی میان بخشنامه‌های "فلاحی" و "ازهارى"

مردم ما از یاد نبرده‌اند که چگونه، در ارتش — مزدور شاهنشاهی، هرکسی که نفس حق میکشید، به اعدام، یا زندان‌ها و شکنجه‌های طاقت فرسا محکوم میشد و همه این امور نیز تحت لوای دفاع از میهن صورت میگرفت اما همه میدانند که منظور فرماندهان ارتش از دفاع از میهن، در واقع دفاع از جیب گل و گشاد سرمایه داران و امپریالیسم آمریکا بوده است.

حالا، همان فرماندهان که چون ماری خوش خط و خال پوست انداخته اند و عاید و زاهد

و سرپرست فعلی ستاد ارتش مادر کرده است بخوبی دیده میشود.

در قسمتی از این بخشنامه آمده است:

"گزارش واصله از ل ۱۶ (یعنی لشکر ۱۶)، حاکیست در این موقع حساس و زمانی بحرانی که دشمنان مملکت و سرکردگان اجانب از انقلاب اسلامی ایران هراسان شده و در گوشه و کنار کشور قیام مسلحانه نموده اند برای بدستورات مادر از طریق "نزاجا" جهت برقراری امنیت داخلی و جلوگیری از هرگونه تشنج

پرسنل از اجرای دستورات صادره نموده و با تهدید فرماندهان باعث ناآرامی و اغتشاش شده اند که دستور داده شد پرسنل متمرّد و محرک فوراً به زندان و ژمر تحویل و پیرونده آنها می‌آنان به دادگاه ویژه انقلاب ارتش ارجاع گردد"

اما واقعاً پرسنل ارتش چرا از دستورات فرماندهان مزدور شاهنشاهی خویش سرپیچی میکنند؟ گناه آنها چیست که باید به دادگاه ارجاع شوند؟ گناه آنها، همان گناهی است که ۱۶هـ هم افرقه‌رمان را، در روزهای واپسین سقوط

شماره ۲۰۴/۲۶/۵
تاریخ ۱۳۵۹/۲/۳۰

از ستاد نزاجا (معاونت پرسنلی - مدارگزینی - قضائی)
اقدام سریع
به - نیرندگان یکم ز
موضوع: تحکیم مانی انضباط و جلوگیری از تحریک و تهرود

گزارش واصله از ل ۱۶ حاکیست در این موقع حساس و زمانی بحرانی که دشمنان مملکت و سرکردگان اجانب از انقلاب اسلامی ایران هراسان شده و در گوشه و کنار کشور قیام مسلحانه نموده اند برابر دستورات صادره از طریق نزاجا جهت برقراری امنیت داخلی و جلوگیری از هرگونه تشنج و خنلر یک نتیجه آن از دست دادن استقلال و تمامیت ارضی کشور میباشد تعدادی از پرسنل ۳ زرهی همدان و کد ۱۸۵ اعمروت داده شد که بمنطقه ارومیه اعزام و یگان مستقر در اشنویه را تمویض نمایند ولی نهایت تأسف معدودی از آنان با تظاهر به خلقی بودن مبادرت به تحریک پرسنل از اجرای دستورات صادره نموده و با تهدید فرماندهان باعث ناآرامی و اغتشاش شده اند که دستور داده شد پرسنل متمرّد و محرک فوراً به زندان و ژمر تحویل و پیرونده آنها می‌آنان به دادگاه ویژه انقلاب ارتش ارجاع گردد

رژیم گذشته، به دادگاه‌ها کشاند حمایت از خلق چپ‌ری که فرمانده کینه توز ما آنرا به تسمخر میکشد. آری افسران، سربازان و درجه داران انقلاب بی، زندان، شکنجه و شهادت راه برادر کشی و کوشش در جهت حفظ سیستمی که برای نابودی ۶۰ هزار شهید از جانب خلق قهرمان تقدیم گردید، ترجیح میدهند

و خطر یک نتیجه آن از دست دادن استقلال و تمامیت ارضی کشور میباشد تعدادی از پرسنل ۳ زرهی همدان و کد ۱۸۵ اعمروت داده شده که بمنطقه ارومیه اعزام و یگان مستقر در اشنویه را تمویض نمایند ولی با نهایت تأسف معدودی از آنان با تظاهر به خلقی بودن مبادرت به تحریک

گشته اند، بنام دفاع از استقلال بخشنامه‌ها و آنچنانی (البته با همان انشاءبندی‌های مسخره شاهنشاهی) مادر کرده و مبارزین و انقلابیون داخل ارتش را به مصاف میطلبند.

از جمله، این مسالده ر بخشنامه‌ای که فلاحی فرمانده نبلی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی (نزاجا)

بقیه از صفحه ۲

را دیو و تلوویزیون گرفته تا روزنامه‌ها و مساجد و منابر از همان ابتدای بقدرت خزیند سعی نموده اند مردم را همچنان در ناآگاهی و بی خبری از وقایع پشت پرده نگاه داشته و آنان را در سمت منافع خود بحرکت در آورند. و حانیات خود را در دانشگاه، کردستان، ترکمن صحرا، میان کارگران بیکار، در کارخانه‌ها و بنام مردم انجام دهند. و هر جناح در انجام این امر از جناح دیگر پیشی گرفته و موقعیت خود را در قدرت سیاسی تحکیم نماید. ولی تنها پس از هر شکست بجان هم افتاده و به "افشاگه" علیه یکدیگر پرداخته و مظلوم نمایی میکنند و همه گناهارا بگردن دیگری میاندازند. تا شاید بتوانند با دیگران ز فروپاشی توهم توده‌ها جلوگیری نموده و آنها را بدنبال سیاستهای ضد خلقی خوبکشانند.

توطئه آیت، نوار آیت، و توطئه حزب جمهوری اسلامی، در واقع بر علیه مبنی صدر نیست چنانکه حتی امام جمعه در یکی از خطبه‌هایش بوضوح گفته است که ما (یعنی هیات حاکمه) در مقابل دشمنان انقلاب (یعنی انقلابیون و توده‌هایی که همشان شکسته شده است) باید وحدت داریم. نوار آیت، جگله بیت از برنامهای دامنه داری است که برای قبضه کردن قدرت و سرکوب مبارزات خلق ماست و در این میان دعوا بر سر شیوه‌های عمل است نه نفس خود عمل و اگر روزنامه انقلاب اسلامی این نوار را افشاء میکند مانوری است برای امتیاز گرفتن در مورد انتخاب نخست وزیر و هرگز، علیرغم ادعاها - بیش برای آگاه کردن توده‌ها نیست

مرگ بر امپریالیسم و ازتجاع!

انقلابیون و پس از مدتها
افشاگری کمونیست ها ناکهان
رژیم به یاد این کمیته
میافتد و آنرا منحل میکنند و
البته برای آنکه دست همه
کمیته ها و پاسداران هر چه
بیشتر پیش مردم روشن شود
ادعا میکنند که "این گروه جدا
از سپاه پاسداران و کمیته ها
عمل میکرد و کسی از کارهای
ضد اسلامی و انسانی آنها هیچ
اطلاعی نداشت" بر اساسی
میتوان باور کرد استناد را و
مقامات رژیم جمهوری
اسلامی در کرمانشاه از جنایات
این کمیته که در تمام ایران
مشهور شده بود در تمام نشریات
کمونیستی و انقلابی از آن نام
برده شده بود خبر نداشتند
شدند؟ اگر خبر نداشتند پس
چگونه یکبار آنرا منحل کردند
و چگونه نه تنها این امکان را
بوجود آوردند که تشکیل شود
بلکه در مقابل جنایاتی چنین
وحشیانه و خونخوارانه دهان
فرو بستند؟ در حال حاضر نیز
فرستاده اعضای ریاست
جمهوری "ضمن تشکر و سپاس
از زحمات بی شایبه و مداوم
افراد گروه ضربت صلاح را در
انحلال این گروه دانسته
است!!" زهی بیشرمی و وقاحت!
بعد از ۱۵ ماه یک شکنجه گاه
و جایگاه جانان را منحل
میکند! اما با سپاس و با
تشکر از زحمات بی شایبه و
مداوم افراد آن با تشکر
از اینکه دهها مبارز و انقلابی
را زیر شکنجه به شهادت رساند
هاند، با تشکر از اینکه روستاها
را غارت کرده اند، با تشکر
از اینکه روستائیان را شکنجه
داده اند! فرستاده
ریاست جمهوری از تمام اعمال
این کمیته حمایت کرده و بعد
آنرا منحل میکند، چون گندش
خیلی در آمده بود. با این
حرفها چه تضمینی وجود دارد که
قردا این کمیته دوباره با
کمک "دستهای دیگر" به کار
نیفتد و هزاران نفر دیگر را
به شهادت و خراشات و غارت
نرسانند؟
نقل قولها همه از کیهان
یکشنبه ۲۵ خرداد ★



دوستی دولت پاکستان و ایران بر سر چیست؟

● اگر یک دولت در واقع خدا میریالیست باشد آیا میتواند با دولتهایی که دست نشاندگان بی چون و چرای امپریالیسم در این منطقه هستند روابط حسنهیی داشته باشد؟

نیاز به توضیح دارند (و اینجاست که لوازم یدکی لازم میاید!)
دولت بازرگان در این مورد مشکلی نداشت و با تمديد قرارداد های فروش لوازم یدکی با آمریکا سالها راحل کرده بود. اما آیا مگر ما هیت دولت جدید با دولت بازرگان فرق میکند؟ مثل روز روشن است که این دولت به یک اندازه به لوازم یدکی فانتوم احتیاج دارد اما مشکل دولت بنی صدر این است که از ترس مردم نمی تواند با آمریکا صیغه خواهر و برادری بخواند و بخصوص که داستان کذایی محاصره اقتصادي هم قوز با لاقوز شده است. اینجاست که دوستان جمهوری اسلامی کمک می آیند. وسایل یدکی، بوا سطله، دولت پاکستان، بهار تیش جمهوری اسلامی ایران میرسد. علاوه بر این برخی از وسایل را هم از طریق هنگ کنگ دریا فت میکنند!
آری، اینها هستند راز سربه مهر رابطه جمهوری اسلامی با دولت پاکستان! ★

نشاندگان بی چون و چرای امپریالیسم آمریکا در منطقه و حافظ منافع و عامل اجرای نقشه های امپریالیسم در این منطقه هستند روابط حسنهیی داشته باشند؟
پاسخ به این سؤال، شاید برای کسانی که ماهیت سرمایه دارانه رژیم را میشناسند چندان مشکل نباشد. زیرا نمیتوان سیستم سرمایه داری وابسته را حفظ کرد در عین حال بطور واقعی و تمام عیاری خدا میریالیست بود. میگویند؟ پس به این خیر توجه کنید!
اینک دیگر همه مردم ایران آگاه شده اند که رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب خلق کرده از یکا بردن فانتوم های ما فوق صوت دریغ نکرده و شهرهای کردستان را با این وسیله جهنمی به زیر گلوله گرفته است. اما آگاهان به مسائل فنی نظامی اطلاع دارند که این هواپیماها در هر پرواز باید پاره ای از لوازم خود را تعویض کنند (از جمله چرخها که پس از چند بار نشست و برخاست

سالها رابطه رژیم جمهوری اسلامی ایران، با پاکستان هم از آن حکایت های شنیدنی است. مردم ما از یاد نبرده اند که ضیاء الحق، چگونه یار گرما به و گلستان شاه مزدور بود و شاه راها اعلام میکرد که هرگونه خطری رژیم اسلامی پاکستان را تهدید کند، امنیت ما را هم بخطر خواهد انداخت.
حالا دیده میشود که وزیر خارجه پاکستان، آقا شاهی معروف، بارها و بارها به ایران سفر کرده و با مقامات جمهوری اسلامی به مذاکره مینشیند و درباره مسائل جهانی و حل بحرانهای منطقه بحث کرده و در این طرف و آن طرف دنیا کنفرانس میگذارد و از سوی دیگر، تشکیل کنفرانس اسلامی در پاکستان که عملاً جبهه ای آمریکایی در منطقه تشکیل میدهد، و شرکت جمهوری اسلامی در آن، که دم از مخالفت با آمریکا میزند، خود موضوع قابل تعمقی است. سؤال اساسی در اینجا اینست که اگر یک دولت در واقع خدا میریالیست باشد، آیا میتواند با دولتهایی که دست

تقدیر بخاطر شکنجه!

میزدند تا از او اعتراف بگیرند.
آری آشکار شدن حقایق مربوط به کمیته های کرمانشاه روشن میکند که تا پورتقربیی وسعید عقیقی از هواداران کومه له و سازمان دانشجویان پیشگام که چند ماه پیش ربوده شده و جسدشان در کوههای اطراف کرمانشاه پیدا شده بود چگونه به شهادت رسیدند و چرا شهید شدند.
چندین ماه بعد از این جنایات و یکسال و اندی پس از شکنجه هر روزه میا زین و

اک رازنده میکرد، آشکار شد که آنها برای اعتراف گرفتن از شخصی که مضمون بهداشتن اسلحه است "زیر بغل او را به جیب میبندند و سپس جیب را در آن حال بدور خود میچرخانند" آشکار شد که در هنگام بازجویی ۱۲ انگشت به چشم متهم فرو میبردند و به هر که دلشان میخواست، اتهام ضد انقلاب میزدند. و احوال او را توقیف کرده و با طیانچه انقدر به سرش

گروه ضربت کمیته مرکزی کرمانشاه، قاتل و شکنجه گر سعید عقیقی و شاپورتقربیی منحل شد و با انحلال این کمیته و دستگیری و نفر از پاسداران باریگر پرده از روی یکی از جنایات رژیم جمهوری اسلامی برداشته شد و افشاگری ها و حقیقت گویی های کمونیستها آشکار شد.
آشکار شد که "زندانیهای کرمانشاه یا دزدانیهای ساو-

بقیه از صفحه ۱

"فروزش" معاوان را هنمایی به میان تاکسیرانان آمدوقبل از آنکه کسی دهان باز کند گفت در میان شما عده ای اخلاک گریه شما باید خواسته های خودتان را بگوئید؟ و نگذارید کسی از شما سوء استفاده کند! شما برای گرفتن خواسته هایتان باید ایستادگی کنید، اما با این حرفها اعتراض تاکسیرانها از هر طرف بلند شد. یکی از تاکسیرانان گفت یکمال است به ما وعده میدهند ولی به هیچیک از خواسته هایمان رسیدگی نکردید. خواسته های تاکسیرانان انحلال سندیکای فرمایشی ایجاد شود، افزایش کرایه ماشین و تهیه وسایل یدکی بود.

اما بعلمت بی برنامه گی و نداشتن اتحاد، تجمع بدون نتیجه پایان یافت. * - به دنبال درگیری زیادی که رانندگان تاکسی کرمانشاه با استاندار و روزورگویی های او در مورد خرید و فروش تاکسی و کارت شهری و ترخیص شدن درون تاکسی ها و غیره داشتند ۷ نفر از رانندگان تاکسی به سمت تهران حرکت میکنند تا به "حضور امام" رفته و خواسته هایشان را تسلیم کنند خواسته های رانندگان تاکسی عبارت بود از رسیدگی به وضع قطعات یدکی، رسیدگی به وضع اسفالت، کوپن بنزین و آزاد شدن سند (شما قبل اداره راهنمایی رانندگی تعدادی پلاک تاکسی به داد وطلبین و اگذار کرده بود که تا مدت ۵ سال رانندگان حق فروش تاکسی خود را نداشته اند این پلاک ها به "شماره مام" مشهور بود و قیمت این تاکسی ها بسیار از انت...

از بازار بود. اما سه روز بعد که تاکسی رانان به کرمانشاه بر میگرددند در محل پلیس راه با پاسداران روبرو میشوند و پاسداران اجازه نمیدهند آنها به سمت شهر حرکت کنند بقیه تاکسیرانان که خود را برای استقبال از آنها آماده کرده بودند با اطلاع از این موضوع دست به اعتصاب وسیع میزنند که به علت ناگهانی بودن و عدم سازماندهی نمیتوانند سراسری شود (نزدیک به ۴۰۰ تاکسی ران در این اعتصاب شرکت داشتند تاکسیرانان ابتدا در میدان گاراژ تجمع میکنند و بعد حدود ۵۰۰ دستگاه از آنان به سمت مدخل ورودی شهر میروند تا به آنان کنه از تهران برگشته اند ملحق شوند اما اینان نیز در وسط راه با پاسداران روبرو میشوند.

برخورد پاسداران با این رانندگان تاکسی شدیداً خصمانه بوده است و کوچکترین موضوعی موجب تهدید و آزار از جانب پاسداران میشد. پاسداران رانندگانی را که از تهران راه افتاده بودند به سمت زندان دیزل آبامیبردند و تاکسی هایی که به استقبال آنها آمده بودند هم دنبال آنها راه میافتند از این عده حدود ۸ نفر دستگیر میشوند و تاکسی های بقیه هم توقیف میگردد.

روز شنبه ساعت ۹ صبح تاکسیرانان جلواستانداری اجتماع کرده و خواستار آزادی تاکسیرانهای اسیر میشوند. چند نفر از نمایندگان عازم محل کار استانداری میشوند تا با مذاکره کنند. بقیه تاکسیرانها هم به خواست نماینده که به آنها میگوید بروند و عصر در محل سندیکا اجتماع کنند محل را ترک میکنند و در خیابان براه میافتند و تاکسی هایی را که کار میکنند میزنند و چندین بار شعار میدهند "تاکسیران زندانی آزاد باید گردد" اما

این حرکت هم که خود بخودی بود ادامه نیافت و تاکسیرانان برآکنده میشوند و وقتی تعدادشان خیلی کم میشود حوزب الهی ها حمله کرده و ۳ تا ۴ نفر از آنها را به شدت مضروب میکنند از این هنگام خبر میرسد که نمایندگان اعزامی آنها هم که پیش استانداری رفته بودند بازداشت شده اند!

در تمام طول این مدت رادیو، تلویزیون، چهارم سارندگی و استانداری، از طریق اعلامیه و بیانییه از رانندگان شخمی تقاضا میکردند که در شهر مسافر کشی کنند و تعدادی از عوامل کمیته مسافر کشی میکردند.

بعد از قضیه کتک خوردن چندین تاکسیران و دستگیری تاکسیرانهای نماینده دامنه اعتصاب فروکش کرده است. و با وجود داد بودن قضیه بعلمت کم کاری نیروهای انقلابی و ضعف فوق العاده سازماندهی مبارزه به سادگی سیر نزولی پیش گرفت.

* - بعد از پیاده شدن مرحله سوم طرح ترافیک تاکسی رانان تهران نیز به شکل های مختلف تحصن راه پیمایی و تجمع جلوشهر داری به طرح ترافیک اعتراض کرده و خواسته های صنفی خود را مطرح کردند. این اعتصاب که کمتر کسی است از آن خبر نداشته باشد تا مرحله، مناظره، تلویزیونی رانندگان تاکسی و شهردار و رؤسای اداره را - هنمایی و رانندگی پیش رفته است.

سیر باور نکردنی گرانی مواد غذایی و کالاهای یدکی عرصه را برای رانندگان تاکسی از دوستتگ کرده است اینان از یک سو با خرید قطعات یدکی، بنزین، روغن و... که روز به روز گرانتر و کمیاب تر میگردد روبرویند و از سوی دیگر برای سیر کردن شکم زن و بچه هاشان باید گوشت و نان و مواد غذایی

که ان قیمت تهیه کنند این سیر و مکرانی موجب کشته است که روز بعد و در آمدنا کسیرانان کمتر کردند و قطع کوپن بنزین و اجرای طرح های ترافییک بدون مشورت با خود رانندگان تاکسی باعث میشود که آنها از صبح ناشب فشار زیادی را تحمل نمایند.

اما علیرغم آنکه تاکسی رانان از ارتباط وسیع با مردم برخوردارند و نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی روز آگاهی دارند اما بعلمت نبود شکل و نیز وجود سندیکاها و اتحادیه های فرمایشی مبارزات آنان برای کسب خواسته هایشان به نتیجه نرسیده و پیروزی مبارزاتشان از تشکیل شوراهای اتحادیه ها واقعی و خلق یداز سندیکا های فرمایشی و هیئت مدیره فرمایشی میگردد.

سربازان دیگر نمیخواهند

گماشته فرماندها باشند

سربازان پادگان مسجد سلیمان از روز جمعه ۱۶ خرداد بمدت ۲ روز دست به اعتصاب غذا زدند در طی این دوروز فرماندهان برای ترساندن سربازان سخنرانی میکردند ولی سربازان برخواسته های خودشان که عبارتند از زلف و گماشتگی، از بین بردن قوا، نین پیش فنگ، پافنگ مقابل درب پادگان، تامین کلیه وسایل رفاهی و ورزش، تامین گوشت تازه! صرا دارند.

بالاخره برای فشاری سربازان برخواسته های خود روز سوم تمامی فرماندهان گروهان جمع شده و اجباراً به اکثریت خواسته های سربازان جواب مثبت دادند.

در طول اعتصاب و در تمام سخنرانی ها فرماندهان سربازان را تهدید میکردند که آنها را به کردستان خواهند فرستاد!

فرمان‌های جمهوری

بردیوارکارخانه‌ها!

شرکت چوب فریم، در قاع شهر، چند ماه پیش، حدود صد کارگر را برای قسمت بهره برداری استخدام کرد از همه کارگران انضا گرفت که هر وقت مدیریت تشخیص داد بتوانند کارگران را اخراج کند. کارگران که از زور فشار و بیکاری و سختی زندگی مجبور به امضاء شده بودند با اخراج و استخدام مجدد کارگران دیگر، در این مدت ویران شده و این وضع نیز برای ایشان غیر قابل تحمل شده بود.

پس از آن، این شرکت اعلام کرد که کارگران را بیمه نمی‌استفاده و می‌کند و از آنها امضاء گرفت که هیچگاه تقاضای رسمی شدن نکنند. این کارگرها آن جمعه‌ها حقوق نمی‌گیرند و ۲۵٪ معمول اضافه کاری را به آنها نمی‌دهند. این فشارها و نارواییها کارگران را بخشم آورده و کوششهایی برای ایجاد شورای واقعی کارگری بعمل آوردند. که این بار نیز با دسیسه‌های کارفرما روبرو شدند. کارفرما، یک هفته پس از این تصمیم، سه نفر از کارگران مبارزان را اخراج کرد. و بخشنه‌های به دیوار نصب کرد که "طبق دستور رئیس جمهور، کارگرانی که اخلاف میکنند، کم کاری میکنند، یا از سرپرستان حرف شنوی ندارند یا ایداعرا ج شوند و به دادگاه انقلاب اسلامی تحویل شوند!!"

آری، فرمان‌های جمهوری دیوار تمام کارخانه‌ها را برای حمایت از سرمایه در مقابل سیل اعتراضات حق طلبانه زحمتکشان زینت کرده است.

از خواست کارگران شب کار حمایت کنیم!

کارگران شیفت شب کار - کار کشیدند. خانه‌نکار، پس از مدت‌ها که بطور شفا هی و کتبی تقاضای برحق خود را با مسئولین در میان گذاشته بودند، سرانجام پس از اینکه مطمئن شدند حرف حساب به گوش سرمایه دار نمیرسد و با اعلام کتبی خواسته‌ها - ایشان، روز ۲۵ خرداد دست از



یک صحنه تکان دهنده از یک نمایش تکراری!

کشیده است. آری قرار داد مقدس است. و این راهم کس میداند! کارگر در برابر شدت سختی کار، تاب تحمل ندارد. او حتی به گریه می‌افتد و فریاد میکشد. اما قرارداد دمقدس است و این راهم کس میداند!

کنتراتچی، از این همه تملد و خیره سری در حیرت است و بشدت پرخاش میکند. و کارگر چاره‌ای جز تسلیم ندارد. جدال به پایان میرسد. عدالت سرمایه داری - که چیزی نمانده بود خدشه دار شود. دوباره برقرار می‌گردد و کارگر آرام، صبور، شکسته اما فروز ریخته، همچون انبانی از نفرت و خشم فروخورده، پاها - پیش را بر زمین میکشد و به سمت کار می‌رود. قرارداد میان کار و سرمایه، اینبار نیز نجات میابد!

کش، دوماه پیش، خود را به مدت شش ماه و مبلغ ده هزار تومان کنترات داده است. دوماه با تمام پس مانده‌های نیرویش، ذره ذره جانش را در قربانگاه سرمایه، تقدیم میکند. اما اینک جانمایه‌اش به پایان خط رسیده است. آخرین ذخیره‌های توش و توانش به پایان رسیده اند و او دیگر چیزی - آری هیچ چیز! - برای قربانگاه سرمایه ندارد. اما قرار نبود چنین شود! او جانش را برای چهار ماه دیگر نیز به کنترات گذاشته است! چه کند؟

آیا میان ماندن و گریختن، دوراه حل برای انتخاب وجود دارد؟ رفیق ما فقط یک راه میبیند! و میگریزد! اینک سه شنبه ۸ صبح نوزده خرداد، کنتراتچی، کارگر گریزپاراد و باره به مسلخ

اینجا یکی از کوره‌های آجرپزی چهار دانگه است! ساعت ۸ صبح هر روز کارگران دست زیادی است که کار را شروع کرده اند. امروز، سه شنبه نوزده خرداد، در چنین ساعتی وضع کمی غیر عادی است. فضای همیشگی و انباشته از گرد و خاک و سیاهی، امروز با صحنه جدیدی نیز همراه شده است. صحنه جدال میان یک کارگر غالب کشی با کارفرمایان.

ماجرای ساده‌ای را که اینک، در آخرین صحنه، به این جدال لفظی کوتاه انجامیده است، میشود در دو خط برای مردم جهان شرح داد. میشود تمام این فاجعه - جنا - یثکارا نه را، در کما بیش ده - اژه خونبار گنجانید و آنرا همچون لخته چرکینی از تنگ و نفرت، بر چهره کریه "سرمایه فروپاشید! کارگر غالب

قانون دادستانی انقلاب انجام می‌گردد!!

و پاسداران به سراغ نشریات رزمندگان و پیکار و کومله - آمدن و حکم توقیف را نشان فروشندگان دادند. اما با مقاومت آنها مواجه شدند پاسدار -

بقیه در صفحه ۱۱

بازداشت کردند. بعد سراغ محلی که در آن نشریات کار، پیکار، رزمندگان، کومله و... پهن شده بود آمدند و اداران "س.ج" با اطلاع از حمله - تجاع بی درنگ نشریات کار و نبرد دانش آموزان جمع کردند

سرانجام پس از مدت‌ها انتظار، پاسداران سرمایه شروع به جمع کردن نشریات انقلابی نمودند در یکی از اولین حمله‌ها پاسداران مسجد سلیمان "نشریه انقلاب را تو - قیف کرده و فروشنده نشریه را

بقیه از صفحه ۱

توده‌های خروشد...

ما در اینجا تعهد میکنیم که متوقف نکنیم، محاصره نظامی الان هست، جلو حرکات ستون الان گرفته میشود چنین مسائلی وجود دارد حالا تعهد میکنیم که جلوی یک چنین تصمیماتی گرفته شود یعنی آتش بس برقرار شود، آتش بسی که حاکمیت جمهوری اسلامی است "آری ما تعهد میکنیم حاکمیت جمهوری اسلامی را در کردستان برقرار کنیم فقط آن حداقل حق را به ما بدهید تا ما بتوانیم برای شما تبلیغ کنیم، ما به شما اعتماد داریم و برای همین پیش شما آمده ایم.

- آقایان اول شما برو- ید اگر "این اعتماد برای تان است بروید اعتماد را به مردم کردستان منتقل کنید یک گروه با آن مقدار اعتبار و نفوذ اجتماعی میدانید که چه میخواهم بگویم؟"

- البته، البته "ولسی این متقابل است"... شما هم چیزی به ما پرداخت کنید!

- اما آقای دکتر! مسئله دیگر هواداران ما است "مدها نفر از هواداران سازمان در زندان هستند" ما سابقه طولانی داریم ۵۰۰ - ۶۰۰ شهید داده ایم "اولا دستگیری این نیروها تا شيرسویی میگذارد ثانيا روزنامه ما چرا باید منقوش شود" خواهش میکنیم روزنامه ما را آزاد کنید و هواداران ما را هم

آقایان شما چیزی بدی در آن نوشته اید، اگر میخواهید کارتان راه بیفتد بیا کنید اعلام کنید این جا معبه سمت

سرمایه داری نمی رود به سمت استبداد نمی رود "مواضع جدید موافق میل ما اعلام کنید" مسلح بودن معنی ندارد "ت- نوقت" خوب حل میشود

- آقای دکتر! یک مسئله دیگر فکر میکنید "اگر ما یک محل دیگر برای فعالیت در نظر بگیریم "امکان پذیر هست یا نه". "خودتان میدانید" "جور ا خراب کردید" ما تضمین نمیکنیم ولی خوب پیشنهاد دینده اینست، سازمان چریکهای فدایی خلق بنشینند و جمع بندی جدیدی بکنند که در این مدت چه کردند و بعد اعلام مواضع جدید. از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید و با ما صحبت کردید متشکریم!

این بود خلاصه ای از ملاقات کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق و بهشتی. کمیته مرکزی درخواست میکنند و بهشتی همه را موکول به سازش هر چه بیشتر آنها میکند. آنها میگویند "مبادر شماره های اخیر کار مواضعمان را "تصحیح" کرده ایم، با حزب دمکرات اعلامیه مشترک دادیم" تعهد میکنیم حاکمیت جمهوری اسلامی را در کردستان برقرار کنیم قول میدهم به نفع شما تبلیغ کنیم خوب شما هم چیزی ... "اما اینها هنوز هیات حاکمه را راضی نمیکند" شما باید مواضع جدید خود را اعلام کنید اعتماد خودتان را به ما به میان مردم ببرید، از کارهای "گذشته خود اظهار پشیمانی کنید و ... ت. نوقت ما یک فکری میکنیم "هر کس که کمترین نگاهی به این مذاکره بیا نداشت هیچ چیزی جز خواهش و تمنا از یک سو و برخورد بورژوا متشانه و "انشا الله بعدا" های بهشتی نمیبیند!

بخشی از سازمان چریکها که اعضای انقلابی و صادق آنرا از سالهای ۴۱ علیه رژیم شاه علیه سلطه سرمایه داری وابسته و علیه امپریالیسم مبارزه کرده و صدها شهید داده اند اکنون با سرعت هر چه تمامتر در سراشیب منجلاب اپورتو- نیسم راست و سازشکاری فرو میروند و با سرعت باور نکردنی به دامان بورژوازی و حزب توده فرو میافتند، و ملاقات با بهشتی یکی از بارزترین این عملکردهای سازشکارانه است کمیته مرکزی اکثریت امروز با کسی ملاقات و از کسی درخواست میکنند که همین چند ماه پیش درباره او گفته اند "بازرگان ها، بهشتی ها، رفسنجانی ها در زمینه سیاست داخلی، سیاست سرکوب نیرو- های انقلابی، تخریب دستا- و ردهای انقلاب، دعوت از سر- مایه داران وابسته و ابقای قراردادهای اسارت با رانمیر یالستی را به پیش رانند" - کار ۴۴ "وحدت کلمه" وو- حدت عمل شورای انقلاب با امپریالیسم

از کسی برای خلق قهرمان کرد و هواداران شجاع و جان باخته خود گدایی میکنند که حتی کسانی که به هیات حاکمه جمهوری اسلامی توهم دارند نیز به این شخص هیچ توهمی ندارند بهشتی و رفسنجانی از ابتدا از شناخته ترین عناصر هیات حاکمه بودند، بهشتی از کسانی بود که از همان روز- های اول پس از انقلاب کوسر- سویی زندگی اشرافی اش در آلمان، لاس زدنهایش با سفارت شاهنشاهی در آن کشور و اقداماتش در جهت خفه کردن اعتراضات دانشجویان مبارز آلمان را در همه جا و بر سر هر- کوی و برزن زده بودند.

بهشتی و رفسنجانی! کسانی بودند که سازمان چریکها علیرغم تمامی برخورد- ردهای التقاطی و سازشکارانه اش با هیات حاکمه مشخصا از آنها به عنوان خائنین به- خلق نام میبرد. ولی اکنون رهبران سازشکار جناح اکثر- بیت با همین خائنین به خلق به گفتگو می نشینند و به آنها میگویند که "ما به شما اعتماد داریم!"

آنها که خود در حدود ۵ ماه پیش در کار ۴۳ درباره هیات حاکمه نوشته اند "یک روز دست بازرگانها، یزدی ها و امیر- انتظام ها روشن شود و روز- دیگر نقشه های پشت پرده حصار السلام خامنه ای، حجت الاسلام بهشتی و حجت الاسلام رفسنجانی فاش میگردد. این مسائل به این دلایل پیش میآید که گردانندگان دولت جمهوری اسلامی طرفدار سرمایه و سرمایه داری هستند، به همین دلیل به امپریالیسم آمریکا نظیر لطف دارند، لذا از انقلاب وقیام و از تحولاتی که پدید آمده ناراحت هستند!"

آیا ترکیب هیات حاکمه عوض شده است میبینم که از قیام تاکنون چندان تفاوت نکرده جز جابجایی چند مهره. اکنون میخواهند حاکمیت جمهوری اسلامی را در کردستان با آتش بس برقرار کنند اکنون هیات حاکمه راضا امپریالیست میدانند! آیا ترکیب هیات حاکمه عوض شده است؟ نه میبینیم که از قیام تاکنون حتی عناصر هیات حاکمه تغییر چندان نکرده اند فقط پست- هایشان بالا و پائین شده است بازرگان نخست وزیر بود و بنی- صدر در شورای انقلاب. اکنون

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

ایمان به واژه‌ها!

کارگران جهان متحد خواهند شد
زیرا سرمایه‌داران جهان متحد
شده‌اند!
کارگران - با علم رهایی
طبقه کارگر - مسلح خواهند شد.
زیرا سرمایه‌داران با توپها و
تانکهایشان مسلح شده‌اند
کارگران فریاد خواهند زد:
زنده باد کمونیسم!
مرگ بر سرمایه‌داری!
و آنگاه سرمایه‌داران نیز
فریاد خواهند زد.
نه بادهان کشیشان،
بلکه زلوله‌های توپهایشان
کارگران پرچمهای سرخ را بالا
خواهند برد.
سرمایه‌داران نیز فانتومها -
یشان را بالا خواهند فرستاد
و کارگران با پرچمهای سرخ،
فانتوم‌ها را بیزیر خواهند
کشید!

کمونیست‌ها، به تمام
واژه‌های این شعر، ایمان
دارند،
و میدانند که کارگران سر-
مایه‌داری را نابود خواهند کرد!

* کارگران جهان متحد شوید!

اراک - یک کارگر
نقاش

از هر طریق نیروهای انقلابی
و کمونیست را در کارخانجات
کردستان، روستاها، دانشگاه -
ها و خلاصه هر محیط مبارزاتی
متفرسما زندودراین راه از هیچ
کوششی دریغ نمیکنند.

۵ - سعی میکنند با پخش
شایعات علیه نیروهای انقلاب -
بی و کمونیست مردم را نسبت
به آنها بدبین کنند،

انقلابیون و کمونیست‌ها،
همیشه با پیگیری دموکراتها و
سازشکاری اپورتونیست‌ها را
برای کارگران و زحمتکشان
افشاء میکنند. و از اینروست
که برای ادا مه انقلاب و برای
پیروزی انقلاب باید دست به
همه‌کسانی را که تزلزل نشان
داده و در مقطعی دست به‌مازش
میزنند برای همه مردم روگرد
و موضع درست و انقلابی را به
کارگران و زحمتکشان نشان
داد. این است راه ادامه
انقلاب!

با پیداستهای آنان را
برای کارگران و زحمتکشان
توضیح داد و علت چنین سیا-
ستهای را شکافت

با پیدها و داران آنها را با
افشاگری سیاست‌های سازشک-
رانه به ماهیت رهبران نشان
آگاه کرد.

با پیدجریانهای انقلابی و
از جمله جناح اقلیت سازمان
چریکهای فدایی خلق را تقو-
یت کرد *

بخشی از نیروهای انقلابی
را به عنوان هوادار در پی خود
دارد نمیتواند برای کارگران
و زحمتکشان نوبیزوهای انقلابی
و کمونیست میهن ما اهمیت
نداشته باشد.

سیاستهای "کمیته مرکزی"
اکثریت که در زمان رشد مبار-
زات کارگران و زحمتکشان و
مبارزات خلق کرد و چشم
انداز انقلاب و رشد هر چه بیشتر
نیروهای کمونیست و انقلابی
در کردستان و سراسر ایران یک
سره به انقلاب پشت کرده و حا -
میان خود را در ادوی ضد
انقلاب جستجو میکنند با پیدشنا -
خته شود.

"کمیته مرکزی" سیاستهای
زیرا به طور منظم و از مدتی
پیش جلو میبرد.

۱- با بورژوازی و عناصر
هیأت حاکمه به گفتگو می‌نشیند
و از آنان امتیاز می‌خواهد.
آنها نه مذاکره‌ای که به طرف
مقابل تحمیل شده باشد بلکه
مذاکره‌ای که از طرف مقابل
درخواست و بهتراست بگوئیم
گدایی شده است

۲- درقبال این امتیاز -
زات و برای کسب آنها به آرا -
می و کم کم مواضع سازشکار -
انه خود را در نشریات مندرج
میکند،

۳ - با حزب توده مذاکره
و از آنان رهنمود می‌گیرد.

۴ - هر چه بیشتر سعی میکنند

بنی صدر رئیس جمهور است و با -
زرگان در شورای انقلاب،
بهشتی که علاوه بر پست های
قبلی مناصب جدیدی هم گرفته
و بسیاری هم ابقا شده‌اند.
پس این رهبری جناح اکثریت
سازمان چریکها است که از موا-
ضع التقاطی گاه انقلابی و
عمدتاً سازشکارانه خود دست
برداشته و یکسره خود را به دامن
بورژوازی انداخته است این
رهبری جناح سازشکار سازمان
چریکها است که یکسره به اعضا
و هواداران انقلابی خود مناصب
فک کارگران و زحمتکشان میهن
بست کرده و بر سر منافع آنها
به معامله با بورژوازی نشسته
است.

علل خیانت و سازشکاری
رهبری بخشی از سازمان چر -
یکهای فدایی خلق علل بسیا -
ری است که ما در نشریه
"رزمندگان شماره‌های ۱۴ و ۱۶
در بر خورده‌ای که در واقع
چرخشی در مواضع سازمان چر -
یکها بوده است و در موضعگیری
مان در مورد انشعاب در سازمان
چریکها و بوجود آمدن بخش
انقلابی سازمان - بخش
اقلیت - بدان پرداخته و
چینجا در این باره بحث
نمیکنیم.

اما سیاستهای سازمان
چریکها "اکثریت" که هنوز

حمله کمیته‌چی‌های آبادان به کتابفروشی‌ها!

گشت شهریانی مجبور به دستگیری
حمله‌کنندگان به اسامی محمد
رضا احمدزاده، محسن هاشمی،
و کریم جلالی شدند که هر سه از
افراد کمیته بودند. اما صبح
همان روز، این سه تن، همانطور
که انتظار میرفت با تلفن
مقامات مربوطه آزاد شدند!

در همان هفته، چندین
کیوسک کتابفروشی نیز به
آتش کشیده شد *

نین و صدور اعلامیه‌ها، می‌خواهد
جلو نشرافکار و عقاید انقلابی
را بطور آزاد و علنی بگیرد.

در همین رابطه، طبق خبر
رسیده از آبادان، روز ۱۷ خرداد
چند نفر از ازل و او باش، به
کتابفروشی "داهون" واقع در
خیابان عروسیه، حمله کرده،
پس از شکستن قفل در، با بنز -
بین آنجا را به آتش کشیدند.
بعلت ایجاد سروصدا و بیرون
ریختن مردم از خانه ما مورین

بدنبال اعلامیه‌های
داستانی کل انقلاب درباره
دستگیری فروشندگان روزنا -
مه‌ها و بستن چاپخانه‌ها،
کتابفروشی‌ها نیز از حملات
ممنون نمانده‌اند.

گویی رژیم از هر چه نشانی
از انقلاب و دگرگونی داشته
باشد وحشت دارد و بوسایل و
طرق مختلف، از راه انداختن
دآرودسته‌های قمع‌کننده چماقد -
ا، گرفته تا گزند راندن قوا -

یک مسابقه پرهیجان برای خوانندگان باهوش!!

لطفا خبر زیر را با دقت چندبار بخوانید و سپس به سئوالات ما جواب دهید:

۱- این حضرات بازرگانان مقیم آمریکا، که از فرط مسلمانی، یک انجمن اسلامی هم درست کرده اند، به چه دلیل مقیم آمریکا شده اند؟

الف - آب و هوای ایران به آنها نمی سازد؟

ب - همسرانشان طبق دستور کار ترحق وروده ایران را ندارند؟

ج - بعیت نزدیکی منزل با محل کسب و کار در آنجا مقیم شده اند؟

د - آیا به این دلیل که خواستبه مسجد بروند و نماز بخوانند؟

ب - آیا به این دلیل که جمهوری اسلامی آنها را از وابستگی به امپریالیست ها نجات داده است؟

ج - آیا برای اینکه در حکومت اسلامی در آمدشان حلال تر از دوران شاه است؟

د - آیا به این دلیل که "خداوند مهربان" با مردم ستم دیده و مستضعف ما بوده است و تمام توطئه ها و فتنه ها و بلواها را بوسیله حکومت اسلامی سرکوب کرده است و تاج رت خدا پستندانه آنها رونق

شششنبه ۳ تیر ماه ۱۳۵۹
پانزدهم شعبان ۱۴۰۰ - شماره ۱۱۰۲۸

کیمیا

انجمن اسلامی بازرگانان ایرانی مقیم آمریکا
افتتاح مجلس را تبریک گفت

انجمن اسلامی متضمنین و بازرگانان ایرانی مقیم آمریکا طی تجمعی به امام خمینی افتتاح اولین مجلس شورای اسلامی را تبریک گفت و تأکید کرد که تنها به خاطر رهبری طالع امام خمینی بود که یکی از آرزوهای دیرین مردم متحد و منوکل ایران تحقق یافته است.

هر بخشی از این نامه آمده است: خداوند توانا را شکر که بعد از پیروزی انقلاب بر مهربانی و با وجود هر لحظه و هر ساعت کارشکنی و توطئه ساز، افرا و تهمت ها که از طرف ایادی

دوباره یافته است؟

ه - آیا به این دلیل که روزنامه ها دولتی شده اند و آنها میتوانند این جور آگهی های تبریک را مجاناً در روزنامه ها چاپ کنند؟

و - آیا به این دلیل که از اقامت در آمریکا خسته شده و خیال دارند بدرج این جور آگهی های حمایت، پلیسی آمریکا را مجبور کنند که آنها را اخراج کند؟ (این قسمت هم برای آنها نوشته شده که بسا سختگیری بی مورد، هیچ کدام از جواب های بالا را قابل قبول نیافته اند!)

د - برای کوبیدن میخ اسلام در سرزمین کفر، غم دوری از وطن را پذیرفته اند!

ه - همچون یک گروه کماندویی برای شکستن محاصره اقتصادی به آنجا رفته اند؟

و - برای تبریک افتتاح مجلس در آنجا مقیم شده اند؟ (این قسمت را برای کسانی که عقلشان به هیچ جا قدمنمیدهد آورده ایم!)

۲- این آقایان به چه دلیل طرفدار انقلاب اسلامی هستند؟

الف - آیا برای اینکه مملکت اسلامی شده و آنها میتوانند در هر لحظه که دلشان

بقیه از صفحه ۱۲

زندان آری، اجاره خیر! ولی روستائیان دیگر هرگز اجاره ندادند.

با این حال، حکومت، هیچ گاه دست از روستائیان بر نداشت. آنها روستائیان را هر سه ماه یکبار به دادگاه میکشاندند و محاکمه میکردند. و در همین محاکمات سرانجام یکی از کشتاورزان عامل قتل زاندارم تشخیص دادند و قرار شد ۵ هزار تومان به همسر زاندارم مقتول بپردازد. دهقانان با زهم به اتکای قدرت متحد خود، یکبار دیگر قانون شاهنشاهی را به مسخره گرفته و کمترین توجهی به این جریمه نکردند.

مبارزات مردم سراسر ایران هر روز اوج بیشتری گرفت و سرانجام در بهمن ۵۷ به قیام سیل آسای زحمتکشان بر علیه دودمان پهلوی انجامید. طاغوت سرنگون شد و لوی طاغوتیان با حکومت اسلامی بیعت کردند! و زحمتکشان سرخود را بی کلاه یافتند!

اینک علی حائری، همچون یک انقلابی وابسته، همه جا ظاهر میشود و خود را فرزند خلف جمهوری میخواند!

حکومت همه جا دست به

بقیه از صفحه ۸

ان به اسلحه متصل شده و نشریات را جمع آوری کرده و میخواستند افرادی را که مقاومت کرده بودند با خود ببرند که با اعتراض مردم مواجه شدند. پاسداران که وضع را چنین دیدند فروشنده ها را راه کرده و سوار ماشین شدند اما مردم جمع شده و با شعارهای "مرگ برارتجاع، سپاه پاسداران قاتل زحمتکشان، زندانی سیاسی از زندان ارتجاع آزاد باید گردد، به راه افتادند.

سازندگی میزند. ادارات دولتی - دادگستری، ارتش، پلیس، ژاندارمری - بسرعت بازسازی میشوند و "وظایف" همیشگی خود را از سر میگیرند. کارمندان دادگستری، حقوق میگیرند، بنا بر این باید به پرونده ها رسیدگی کنند. ژاندارمها مواجیشان پا بر جاست، بنا بر این همه جا باید نظم و قانون را جاری سازند. و چنین است که سازندگی آغاز میشود!

روز دهم خرداد پنجاه و نه (۵۹) (حدود بیست روز پیش) ژاندارمری قائم شهر به کیود کلا ما مور میفرستد تا همه دهقان محکوم شده را بازداشت کرده و محکم دادگاههای شاهنشاهی را اجرا کنند. آنها دهقان را به جرم قتل یک ژاندارم به شهر میبرند و ۴۸ ساعت بازداشت میکنند! و بعد از سالها بخاطر اجرای حکم دادگاه شاهنشاهی و برقراری "عدالت آریا مهری" روستایی را مجبور به پرداخت ۳ هزار تومان از پنج هزار تومان جریمه، میکنند و از او تعهد میگیرند که بقیه پول را هم در ماههای بعد بپردازد!

دوباره روزا زنو، روزی نو. زحمتکشان یکبار دیگر شروع خواهند کرد! ★

پس از رفتن پاسداران دوباره نشریات رزمندگان و پیکار پهن شد و باز آفاشگری و بحث برقرار گشت تا شب چندین بار پاسداران برای ضبط نشریات هجوم آوردند ولی هر بار با پشتیبانی مردم و تجمع آنان فروش نشریات و بحث و افشاگری ادامه داشت! مقاومت رفقای فروشنده و پشتیبانی مردم از فروش نشریات، آن روز قانون اعلام شده دادستانی انقلاب را به ورق پاره ای بدل کرد! ★

قصه برای بزرگسالان

عقوبت مبارزه با طاغوت!

ان شدند تا از دست زاندارمها، به "اویسی" پناه ببرند! در آنجا آنها را دستگیر کرده و با دستبند به بابل فرستادند. زنهای هفتقه و مردها شش ماه زندان کشیدند.

بقیه در صفحه ۱۱

خلق بگوش میرسید. حمله آغاز شد و زحمتکشان یکپارچه و متحد، زاندارمها را تاروما کردند. ۱۸ زاندارم بشدت زخمی شدند و یکی از آنها به درک واصل شد! حدود بیست نفر از دهقانان زن و مرد و بچه، پیا برهنه و خون آلود، بسرعت راهی تهر-

مدیرکل یکی از موسسات هم شد. روستائیان دربارۀ رژیم شاه، تجربه جدیدتری آموختند اما ایندفعه وقتی از کمک دولت ناامید شدند، خود آستینها را بالا زده و قدم به میدان گذاشتند. آنها تصمیم گرفتند دیگر اجازه نپردازند و نپردازا ختند!

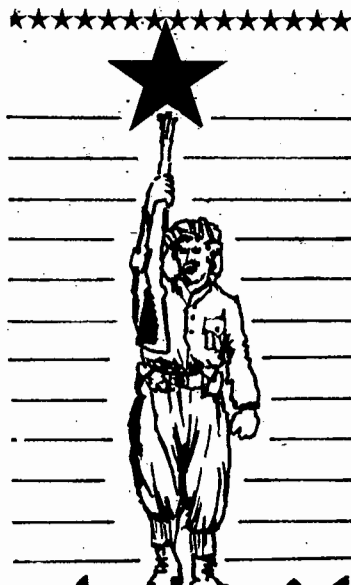
بهار همان سال، بیست زاندارم دولت شاهنشاهی به فرماندهی یک افسر، از طرف حکومت و برای حمایت از علی حائری، وارد کبودکلا شدند و به حیاط خانه‌ای که روستائیان در آن جمع بودند حمله بردند. فرمانده، سراغ نمایندگان را گرفت و با تیر هوایی بقیه را متفرق کرد. دو نماینده و هفت نفر از دهقانان (۳ زن و دو مرد) در محاصره قرار گرفتند. زاندارمها روستائیان را به باد کتک گرفتند و بقمصد کشت زدند. یکی از نمایندگان با سروصورت خونین از معرکه دور شد و دیگری را زاندارمها در حالیکه بیهوش شده بود با ینور و آنور میکشیدند و میزدند.

ابتدا زنها شروع کردند. آنها در حالیکه شیون میکردند خود را روی نعش نماینده بیهوش میانداختند تا بلکه نجاتش دهند، اما به اینکار موفق نشدند. و آنگاه سرانجام مردها خونشان به جوش آمد. زاندارمها، ناگهان خود را در محاصره روستائیان چهره برافروخته ای دیدند که از تغییر حرکت چوبدستی هایشان، خروش خشم

حدود پانزده، بیست سال پیش، در منطقه‌ای میان بابل و قائم شهر، فتودال گردن کلفتی به اسم علی حائری زندگی میکرد که دوهزار هکتار زمین بی قابلیتش را به دهقانان اجاره میداد. دهقانان، از اینکه این آقا سال به سال از آنها اجاره میخواست مطابق معمول تمام دهقانان جهان بسیار خشمگین و عصبانی بودند. پس از اینک که او با بت هر هکتار ۸۰۰ تومان (۸ خروار شالی) اجاره میگرفت در حالیکه در روستاهای اطراف نرخ اجاره حدود پانصد تومان بود.

سال ۱۳۴۵، سالی بود که روستائیان دیگر طاقش طاق شد و برای مبارزه با این فتودال بی انصاف (!) ب فکر کمک گرفتن از دولت شاهنشاهی افتادند. او دو نماینده برای کارشان انتخاب کردند. دو نماینده‌ای که از میان دهقانان انتخاب شده بودند، با و - جوی پوی پولی فراوان، حدود سه ماه در تهران و قائم شهر و بابل، به هردی زدند و هیچ دزی هم برویشان باز نشد. روستائیان کم کم نتیجه گرفتند که رژیم شاه طرفدار سرمایه داران و زمینداران بزرگ است!

بعد از آنکه قانون اصلاحات ارضی شامل حال دهکبود کلا شد، علی حائری، نه فقط اجازه زمین هایش را میگرفت، بلکه



اخبار کردستان

برای مداوا به یوکان منتقل شدند.

* - ۲۵ خرداد در یک درگیری بین نیروهای ارتشی و پیشمرگان کردیک کامیون نابود شد. ۸ ارتشی کشته و ۵ نفر دستگیر شده‌اند. در این عملیات یک پیشمرگ سازمان پیکارینا م عطا طاطایی شهید و پیشمرگ دیگری زخمی شده است. بیادش گرامی باد.

این درگیری در جاده، با نه سفز اتفاق افتاده است. همچنین مهمات قابل توجهی از جمله یک کالبر ۵۰ و ۱۰۰ عدد ۳ - و چند صندوق فشنگ کالبر ۵۰ و ۳ - و یک جعبه نارنجک بدست پیشمرگان افتاده است.

ارتباط تلفنی شهر سنندج با شهرستانهای دیگر قطع است و عمدتاً ترانواصل نمیکند و تنها ارتباط از طریق محابرات شهر صورت میگیرد. و کسانیکه میخواهند تلفن بزنند به وسیله پاداران به شدت کنترل میشوند و از آنها میخواهند که حتماً فارسی صحبت کنند و کردی صحبت کردن در تلفن قدغن است *

* - ۲۵ خرداد هلی کوپتر های آمریکایی ارتش جمهوری اسلامی، همچنان به حملات وحشیانه به روستاها ادامه میدهند. در تاریخ فوق، تعدادی از آنها به دهکده‌ای بنام "سرخوز" حمله کرده و آنجا را به رگبار کالبر ۷۵ بسته اند که طی آن ۵ نفر زخمی شده اند که

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان نظام پوشیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد گویید!